روزنامه اطلاعات روز
تحلیلی اطلاعاتی
۶۹۹ | یک‌شنبه | ۱۱ عقرب، ۱۳۹۳ | سال سوم | قیمت: ۱۰ افغانی | Price: 10 Af | Year 03 | 02 Nov, 2014 | Sunday | 699

کار دشوار در یک کشور دشوار

همان طور که دیده می‌شود، در این مرحله‌ی جدید، افغانستان در شرایط دشواری به‌سر می‌برد. تا پایان سال جاری، مأموریت بخش عمده‌ی نظامی نیروهای تأمین امنیت آیساف، پایان می‌یابد و آن‌ها افغانستان را ترک می‌کنند. در همین راستا، انتقال کامل مسئولیت‌های امنیتی به مقام‌های افغانستان، هم‌چنان ادامه دارد. علاوتاً، طی این سال‌ها، کشور به لحاظ سیاسی اشباع شد. خب، اوضاع مبهم باقی مانده است. هنوز مسایلی در ارتباط به انتخابات به سرانجام رسیده‌ی ریاست جمهوری و رقابت یکی از کاندیداها- دکتر عبدالله عبدالله، وزیر پیشین امور خارجه، باقی مانده است.

روند سیاسی شروع انتخابات امسال ریاست جمهوری در ماه آپریل، غیرقابل پیش‌بینی بود. به تاریخ ۱۴ سپتامبر سال جاری، مرحله‌ی شمارش مجدد آرا با مشارکت تعداد زیادی از ناظران ملی و بین‌المللی و از جمله سازمان ملل متحد و اتحادیه‌ی اروپا، به اتمام رسید. به تاریخ ۲۱ سپتامبر، دو کاندیدا توافق‌نامه‌ی تشکیل دولت وحدت ملی را امضا کردند. در همین زمان، کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان، اشرف غنی را به عنوان رییس جمهور و عبدالله عبدالله را به عنوان رییس اجرایی دولت جدید اعلام کرد.

صفحه ۴

رییس جمهور:
کسانی که با نظام سیاسی مشکل دارند، مخالفان سیاسی اند

صفحه ۲

نقش رولا غنی
در دفاع از آزادی و حقوق زنان

رولا غنی، بانوی اول کشور به خبرگزاری فرانسه گفته است که با سیاست دولت فرانسه در مورد منع پوشش برقع و روبندها در اماکن عمومی موافق است؛ زیرا برقع و روبند مانع قدرت دید برای زنان می‌شود؛ بر بینایی زنان تأثیر منفی می‌گذارد. اما در مورد پوشش برقع که در افغانستان رواج دارد و زنان آن را می‌پوشند، چیزی نگفته است. رولا غنی لبنانی‌الاصل است و در اواخر دهه‌ی شصت در دانشگاه ساینس پو در فرانسه تحصیل کرده است و مدتی را به عنوان خبرنگار فرانس پرس در بیروت، پایتخت لبنان فعالیت کرده است. خانم غنی پس از آن‌که شوهرش محمد اشرف غنی در انتخابات برنده اعلام شد، در چندین برنامه‌ی رسمی شرکت کرد و در مورد وضعیت زنان افغانستان گفته است که می‌خواهد برای زنان افغانستان کارهای چشم‌گیری را انجام دهد و قبل از آن‌که ریاست جمهوری را به عنوان بانوی اول ترک کند، می‌خواهد نگاه بدبینانه به زن در افغانستان تضعیف شود و زنان به حقوق و آزادی‌های‌شان برسند. خانم غنی پس از سه و نیم دهه، یگانه بانوی اول مملکت است که در انظار عمومی ظاهر می‌شود و به عنوان بانوی اول، دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی خویش در مورد موضوعات کشور را بیان می‌کند.

جامعه‌ی افغانستان یک جامعه‌ی سنتی است و نگاه و فرهنگ جامعه بر ارزش‌های...

صفحه ۴

رولا غنی: پوشیدن برقع قدرت دید زنان را محدود می‌کند

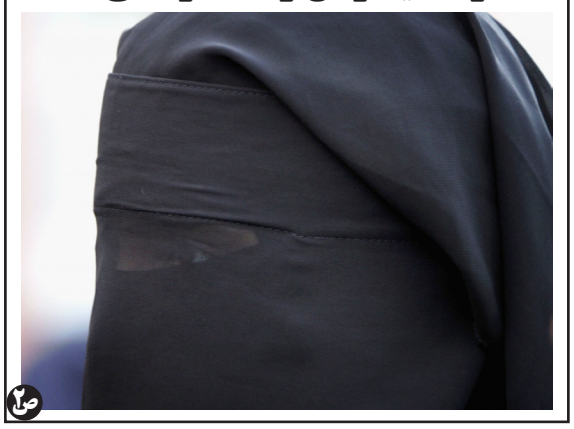

ص ۲

۲۰۰ افسر پولیس زن برای آموزش به ترکیه فرستاده شدند

ص ۲

معلومات به‌روز در مورد اقتصاد افغانستان

ص ۳

فرهنگ مردسالار در افغانستان و سرنوشت حقوق زنان

ص ۵

زنانی که در جنایات هیتلر سهیم شدند

ص ۶

مژده مژده مژده

لیسه ذکور آریانا افغان-ترک و نسوان افغان-ترک برای سال تعلیمی ۱۳۹۴ خویش شاگردان جدیدالشمول از فارغان صنف هفتم سال تعلیمی ۱۳۹۳ می‌پذیرد، علاقه‌مندان مطلع باشند. ثبت نام تا (۱۶) عقرب سال جاری جریان دارد.

آدرس برای شاگردان ذکور: لیسه ذکور آریانا افغان-ترک واقع شاه دو شمشیره (ع)

آدرس برای شاگردان اناث: تایمنی، چهارراهی سرسبزی، عقب هوتل کرستال

شماره تماس لیسه ذکور ما: ۰۷۵۲۱۲۴۴۴۴

شماره تماس لیسه اناث ما: ۰۷۸۸۶۶۷۶۴۰

یادداشت روز

روز عاشورا و نگرانی‌های امنیتی

شهریار فرهمند

با فرارسیدن عاشورا، باز هم پرسش‌های تکراری و نگرانی‌های همیشگی از ناامنی و بروز مشکلات امنیتی خلق می‌شود. در روزهای عزاداری محرم و خصوصا در روز عاشورا، دسته‌های سینه‌زنی و عزاداران روی جاده‌ها می‌آیند و در مساجد و زیارت‌گاه‌ها، اجتماعات بزرگی را تشکیل می‌دهند. رویداد تلخ و مرگ‌بار عاشورای سال ۱۳۹۰ هنوز هم در ذهن و خاطر مردم افغانستان است و وضعیت امنیتی نسبت به آن روزها، نه تنها که خوب نیست، بلکه به مراتب بدتر از آن زمان شده است. از این‌رو، این ترس به گونه‌ی جدی وجود دارد که نشود دستان سیاه انتحاری‌ها و تروریستان از آستین سیاه ترور و دهشت سر برآورد و بازهم فاجعه‌ای خلق کند. هرچند در کابل به‌جز همان یک مورد سال ۱۳۹۰، دیگر چنین رویدادی در روز عاشورا اتفاق نیفتاده و همه‌ساله نهادهای امنیتی در همکاری با مردم امنیت این روز را خوب تأمین کرده‌اند و این تدابیر امسال نیز اتخاذ شده است؛ اما از آن‌جایی که تروریستان به‌دنبال چنین فرصت‌ها برای دهشت‌افگنی هستند، این ترس هنوز هم به‌صورت جدی وجود دارد.

هدف قرار دادن محافل عمومی به منظور هراس‌افگنی بیش‌تر، از تاکتیک‌های همیشگی و تثبیت شده‌ی مخالفان مسلح دولت می‌باشد. آنان از اجتماعات مردمی و مناسبت‌های ملی همواره به مثابه اهداف نظامی و جنگی در راستای فعالیت‌های تخریبی خویش کار گرفته‌اند. طالبان هم‌چنان در کمین محافل عمومی و روزها و مناسبت‌هایی هستند که اجتماعات بزرگ مردمی تشکیل شوند، تا با هدف قرار دادن آن، جنایت و وحشت خود را به رخ مردم بکشانند.

اما آن‌چه مهم است، بیداری نیروهای امنیتی و استخباراتی کشور است و باید هوشیارانه اوضاع را رصد کرده و نگذارند تروریستان نقشه‌های شوم خویش را تطبیق کنند. در این روز عزاداران در مساجد جمع می‌شوند و در جاده‌ها و زیارت‌گاه‌ها اجتماعات بزرگ ده‌ها هزار نفری تشکیل می‌دهند. بنابراین، اگر خدای ناکرده حادثه‌ای از نوع خشونت‌های تروریستی اتفاق بیفتد، گستردگی فاجعه غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود و بر حجم دشواری‌های موجود افزوده خواهد شد. روشن است که در چنین مراسم‌ها که تراکم جمعیتی ایجاد می‌گردد، اگر نیروهای امنیتی نتوانند در چنین شرایط حساس امنیت شهروندان کشور را تأمین نمایند، این مسئله نه تنها بر وجهه‌ی نیروهای امنیتی آسیب جدی وارد می‌کند، بلکه فاجعه‌ی انسانی در کشور به‌وجود خواهد آمد. با توجه به تاکتیک همیشگی طالبان که از غیرنظامیان و محافل عمومی برای دهشت‌افگنی‌شان استفاده می‌کنند، وقوع هرگونه رویدادی در این روز قابل پیش‌بینی است، خصوصا این‌که در این اواخر موج حملات طالبان تروریست بیش از هر وقت دیگر افزایش یافته است.

جدی بودن هشدارهای تروریستی در شرایط کنونی خیلی بعید نیست؛ زیرا این گروه به‌شدت تلاش می‌کند که با دهشت‌افگنی‌های بیش‌تر، اوضاع سیاسی را به نفع خود تغییر دهد. به هر اندازه خشونت‌ها بیش‌تر شوند و از طریق آن آسیب به مردم ملکی برسد و دهشت‌افگنی تشدید یابد، اوضاع به نفع چانه‌زنی‌های سیاسی طالبان در روند مذاکره و مصالحه و کسب امتیازات سیاسی یک‌طرفه از دولت افغانستان و جامعه‌ی جهانی تغییر می‌کند.

نکته‌ی امیدوار کننده این است که نیروهای امنیتی افغانستان در چند ماه اخیر توانایی‌های خود را در تأمین امنیت کشور ثابت کرده‌اند. برگزاری موفقانه‌ی دو دور انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در سراسر کشور بدون کدام واقعه‌ی جدی امنیتی، این اطمینان را به مردم ایجاد کرده است که آن‌ها قادر به تأمین امنیت کامل کشور در هر شرایطی هستند و از این‌رو، می‌توانند امنیت روز عاشورا و عزاداران را در سراسر کشور تأمین کنند. تا کنون آمادگی‌های خوبی گرفته شده و نهادهای امنیتی به مردم و عزاداران وعده داده‌اند که امنیت این روز را در سراسر کشور تأمین می‌کنند.

رییس جمهور:
کسانی که با نظام سیاسی مشکل دارند، مخالفان سیاسی اند

اطلاعات روز: محمد اشرف غنی، رییس جمهور کشور پس از برگشت از چین، دیروز در یک نشست خبری در کابل، سفرش را پردست‌آورد خواند و گفت که از چین خواسته تا افغانستان را در راه آوردن صلح و ثبات همکاری کند. او در نشست دیروز طالبان را مخالفان سیاسی خواند و گفت، هرکسی که با نظام مشکل داشته باشد، مخالف سیاسی است.

رییس جمهور گفت، راه‌حل اساسی کشور، راه سیاسی است: «از خون خسته شدیم و می‌خواهیم این روند در کشور ختم شود. هر کسی به افغانستان واحد عقیده دارد، صلح می‌خواهد. اما کسانی که قصد دارند افغانستان را به میدان جنگ مفکوره‌های واهی تبدیل کنند، در مقابل آنان با عزم راسخ ایستادگی خواهیم کرد».

او در مورد همکاری چین در روند صلح گفت، چین در نشست قلب آسیا– روند استانبول تعهد کرد که در قسمت برقراری صلح و ثبات در افغانستان اقدام‌های عملی و مهم می‌کند. اشرف غنی افزود که کشورهای چین، عربستان سعودی و ترکیه نیز قدم‌های بزرگی را برای آوردن صلح و ثبات در کشور برمی‌دارند.

او هم‌چنان افزود که نخست‌وزیر انگلستان نیز در این مورد اقدام‌هایی را روی دست می‌گیرد. اشرف غنی در ادامه در مورد همکاری پاکستان در روند صلح گفت که میزان همکاری حکومت پاکستان در تأمین صلح و ثبات افغانستان تا هفته‌های آینده مشخص خواهد شد و به همین منظور، زمینه‌ی سفرش به پاکستان در آینده فراهم می‌شود.

او افزود، برای تأمین صلح و ثبات در کشور، برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت با جانب پاکستان روی دست گرفته می‌شوند. رییس جمهور با اشاره بر این‌که تأمین صلح در کشور کار آسانی نیست، تأکید کرد، برقراری صلح و ثبات در کشور یک امر اجباری است.

رییس جمهور در ادامه از ایجاد یک برنامه‌ی زیربنای ملی خبر داد و گفت که چین در مطالعات و عملی شدن این برنامه افغانستان را کمک می‌کند: «برنامه‌ی زیربنای ملی مشخص می‌کند که در شش ماه آینده باید چه کارهایی صورت گیرند و بر اساس آن افغان‌ها بدانند که به‌صورت عادلانه پیشرفت زیربنایی چه قسم عیار می‌شود».

اشرف غنی در ادامه گفت، در دیدارش با مسئولان بانک‌های خصوصی، روی اصلاحات نظام بانک‌داری کشور به توافق رسیدند. او هم‌چنان در مورد پرونده‌ی کابل بانک گفت، اقدام‌های جدی برای بررسی پرونده‌ی این بانک روی دست گرفته شده‌اند: «امیدوارم که محاکم کشور حکم درست را صادر کنند».

رولا غنی: پوشیدن برقع قدرت دید زنان را محدود می‌کند

اطلاعات روز: رولا غنی، بانوی اول کشور می‌گوید که با سیاست دولت فرانسه در مورد ممنوع کردن استفاده از برقع و نقاب‌ها برای زنان موافق است. دولت فرانسه در سال ۲۰۱۱، پوشیدن برقع کامل را برای زنان در مکان‌های عمومی ممنوع اعلام کرد. این تصمیم در آن زمان، بحث‌هایی را در مورد آزادی‌های مذهبی و مغایرت با آن به راه انداخته بود.

بانوی اول کشور به‌تازگی به خبرگزاری فرانسه گفته است که این نقاب‌ها قدرت دید زنان را محدود می‌کنند. او خودش روسری بر سر می‌کند. خبرگزاری فرانس پرس به نقل از بانوی اول کشور نوشت: «این برقع‌ها مانند پرده‌اند که جلو دید زنان را می‌گیرند و رفت و آمدشان را با مشکل مواجه می‌کنند».

در حال حاضر بسیاری از زنان کشور حتا در شهرهای بزرگ، از جمله کابل، هرات و مزار شریف از برقع استفاده می‌کنند؛ اما خانم غنی در مصاحبه با خبرگزاری فرانسه به‌طور مشخص در این مورد چیزی نگفته است. در زمان حاکمیت طالبان پوشیدن برقع برای زنان در کشور اجباری بود.

خانم اشرف غنی، لبنانی‌الاصل است و در حدود یک‌ماه پیش، پس آن‌که اشرف غنی از سوی کمیسیون مستقل انتخابات به عنوان رییس جمهور معرفی شد، نام بانوی اول کشور را به‌دست آورد. او برخلاف زینت کرزی، بانوی اول پیشین کشور، رابطه‌ی خوبی با رسانه‌ها دارد و در چند مراسم رسمی شرکت کرده است.

او می‌گوید، به زنان افغان کمک می‌کند تا به جایگاه واقعی‌شان در افغانستان دست پیدا کنند. او در اواخر دهه‌ی ۶۰ دانشجوی دانشگاه ساینس پو در فرانسته بوده و مدتی خبرنگار آژانس فرانس پرس در بیروت بوده است. زینت کرزی در ۱۳ سال حکومت شوهرش حامد کرزی، کمتر در دید عمومی ظاهر شد.

۲۰۰ افسر پولیس زن برای آموزش به ترکیه فرستاده شدند

اطلاعات روز: وزارت امور داخله‌ی کشور ۲۰۰ افسر پولیس زن را برای آموزش‌های بیش‌تر به کشور ترکیه فرستاد. این افسران دیروز در مراسم ویژه‌ای برای یک دور آموزش چهارماهه از میدان هوایی کابل به کشور ترکیه اعزام شدند. اعزام این تعداد افسران زن به خارج از کشور، تاکنون بی‌سابقه خوانده شده است.

جنرال حکمت شاهی، از مقام‌های وزارت امور داخله دیروز گفت که این افراد از ولایت‌های مختلف برای فراگیری یک دوره‌ی ۴ماهه‌ی آموزشی به ترکیه اعزام شدند و پس از برگشت، دوباره در ولایت‌های مربوطه‌ی‌شان ایفای وظیفه می‌کنند. برای این افسران امتیازهای خوبی نیز در نظر گرفته شده است.

شاهی گفت که این افسران زن را در ترکیه استادان زن آموزش خواهند داد و برای آنان برعلاوه‌ی ارتقای درجه‌ی نظامی، امتیازهای مالی نیز در نظر گرفته می‌شود. در جریان سال‌های گذشته کمبود تعداد سربازان پولیس زن در وزارت داخله، یکی از مشکلات اساسی فراراه این وزارت خوانده شده است. هم‌اکنون مجموع نیروهای پولیس به بیش از ۱۵۷ هزار می‌رسد؛ اما صرف حدود ۲۳۰۰ تن آنان را زنان تشکیل می‌دهند که این یک رقم اندک است. وزارت داخله افزایش نیروهای پولیس زن را یکی از اولویت‌های خود خوانده و در نظر دارد در ده سال آینده تعداد نیروهای پولیس زن در کشور را به ۱۰ هزار تن افزایش دهد.

فهرست کابینه‌ی جدید پیش از نشست لندن نهایی می‌شود

اطلاعات روز: کمیته‌ی مشترک متشکل از تیم محمد اشرف غنی، رییس جمهور و عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت وحدت ملی روی نهایی کردن فهرست اعضای کابینه‌ی جدید کار می‌کند. مجیب‌الرحمان رحیمی، سخن‌گوی عبدالله دیروز گفت، مذاکرات دو طرف برای نهایی کردن فهرست کابینه‌ی جدید جریان دارد و این فهرست پیش از نشست لندن نهایی می‌شود. اشرف غنی و عبدالله عبدالله پس از جنجال‌های انتخاباتی در چوکات حکومت وحدت ملی، روی تقسیم قدرت در کابینه و پست‌های مهم دولتی به توافق رسیدند. قرار است اعضای کابینه‌ی جدید از سوی این دو تن انتخاب و بعد برای کسب رای اعتماد به مجلس معرفی شوند. با گذشت یک‌ماه از آغاز کار این حکومت، هنوز آنان در زمینه به توافق نهایی نرسیده‌اند. در حالی که مردم و اعضای شورای ملی تأکید دارند، فهرست کابینه‌ی جدید هرچه زودتر اعلام شود و اعضای کابینه‌ی جدید برای دریافت رای اعتماد به مجلس نمایندگان معرفی شوند. اعضای این شورا باور دارند که وزیران، والیان و فرماندهان سرپرست احساس مسئولیت نمی‌کنند و این مسئله باعث بروز برخی از مشکلات، از جمله افزایش ناامنی‌ها در کشور شده است.

با گذشت یک‌ماه از ریاست جمهوری محمد اشرف غنی، تنها در حدود ده حمله از سوی طالبان در کابل صورت گرفته که بر اثر آن بیش از ۲۰ تن کشته شده‌اند. شماری از ولایت‌های کشور، به‌ویژه بدخشان و قندوز نیز در این مدت شاهد افزایش عملیات طالبان و ناامنی‌های گسترده بوده‌اند. هنوز هم مشخص نیست اعضای کابینه‌ی جدید چه زمانی معرفی خواهند شد؛ اما سخنگوی عبدالله دیروز خبر داد، قبل از نشست لندن فهرست کابینه‌ی حکومت وحدت ملی تکمیل می‌شود. به گفته‌ی رحیمی، رهبری حکومت وحدت ملی در نظر دارد که قبل از نشست لندن، فهرست اعضای کابینه‌ی جدید نهایی شود تا حکومت جدید با یک دست‌آورد و کابینه‌ی جدید در این نشست اشتراک کند. قرار است پنجمین نشست لندن به تاریخ ۲۴ ماه نوامبر سال روان در لندن برگزار شود.

سران افغانستان، پاکستان و بریتانیا در این نشست روی موضوعات سیاسی، امنیتی و مشکلات منطقه‌ای بحث می‌کنند. در همین حال، شماری از کارشناسان مسایل اقتصادی باور دارند، برای جلب همکاری‌های بیش‌تر جهانی، حکومت جدید باید برنامه‌های قابل قبولی را در عرصه‌ی اصلاحات در نشست لندن ارائه کند.

دیوید کامرون، نخست‌وزیر بریتانیا چندی پیش در تماس تیلفونی از نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان دعوت کرده بود که در این نشست شرکت کند. اشرف غنی، رییس جمهور کشور چندی پیش در دیدار با سفیر بریتانیا در کابل نیز گفته بود که در این نشست با دست‌آوردهای خاصی شرکت خواهد کرد.

در این نشست زمینه‌ی گفت‌وگو بین مقام‌های افغانستان و پاکستان فراهم می‌شود. برگزاری پنجمین نشست لندن برای صلح و رشد اقتصادی کشور مهم خوانده شده؛ اما تا کنون چهار نشست قبلی لندن، نتیجه‌ی قابل ملاحظه‌ای را برای تأمین صلح، ثبات و رشد اقتصادی کشور به‌دنبال نداشت.

پولیس کابل: برخی از مقام‌های دولتی با آدم‌ربایان همکاری دارند

اطلاعات روز: مقام‌های فرماندهی پولیس کابل اعلام کردند که شماری از مقام‌های دولتی با آدم‌ربایان همکاری دارند و این مسئله مشکلات جدی را فراراه پولیس به‌وجود آورده است. به گفته‌ی مقام‌های این فرماندهی، تاجران و سرمایه‌داران در کابل به حمایت برخی از مقام‌های دولتی، از سوی آدم‌ربایان و سارقان مسلح اختطاف می‌شوند.

جنرال ظاهر ظاهر، فرمانده پولیس کابل دیروز در کابل گفت که مأموران پولیس کابل در بازداشت آدم‌ربایان و دزدان مسلح تا حدی موفق بوده‌اند؛ اما حمایت شماری از مقام‌های دولتی از چنین افراد، در برخی موارد کار پولیس را با چالش جدی مواجه کرده است. او در این زمینه از مردم کابل کمک خواست.

به نقل از بخدی، جنرال ظاهر گفت، آدم‌ربایان و سارقان مسلحی که حمایت برخی از مقام‌های دولتی را با خود دارند، تاجران و سرمایه‌داران را اختطاف می‌کنند. اما او مشخص نکرد که چه تعداد و کدام مقام دولتی در حمایت از آدم‌ربایان در کابل قرار دارند. اما آن‌چه مردم و فعالان مدنی از نهادهای امنیتی توقع دارند، این است که نام این افراد را فاش کند.

ولی چنین کاری هنوز از سوی آنان صورت نگرفته است. آنان در برخی موارد گزارش داده‌اند، شماری از مقام‌های بلندرتبه‌ی دولتی در حمایت از آدم‌ربایان، قاچاق‌بران و سارقان مسلح قرار دارند. با این حال، جنرال ظاهر گفت، حبیب استالف، سردسته‌ی آدم‌ربایان اعتراف کرده بود که شماری از افراد شامل نظام با او همکاری داشته‌اند. او این اظهارات را دیروز در نشست مشوره‌دهی پولیس کابل با نمایندگان نواحی مختلف شهر کابل بیان کرد. این نشست به منظور همکاری مردم با پولیس و در کل برای کاهش جرایم جنایی در کابل برگزار شده بود.

جنرال ظاهر در این نشست در بخش دیگر سخنانش گفت، در حال حاضر عملکرد پولیس در سطح توقعات مردم نیست و این مسئله به غیرمسلکی و بی‌سواد بودن تعداد زیادی از منسوبان پولیس برمی‌گردد.

جنرال ظاهر تشکیل پولیس ملی در یک زمان کوتاه را یکی از دلایلی خواند که به گفته‌ی او، کار پولیس را با چالش‌ها موجه کرده است: «این مسئله سبب شده تا عملکرد پولیس مطابق توقعات مردم نباشد». او افزود که اکنون ۶ هزار پولیس بی‌سواد در کابل داریم و این افراد هیچ‌گونه تحصیل نکرده‌اند. او در آخر گفت که بسیاری از تفنگ‌داران و زورگویان در شهر کابل وجود دارند که همواره مانع تطبیق قانون در پایتخت شده‌اند.

معلومات به‌روز در مورد اقتصاد افغانستان

منبع: بانک جهانی

برگردان: حمید مهدوی

بخش دوم

ترکیب درآمدها

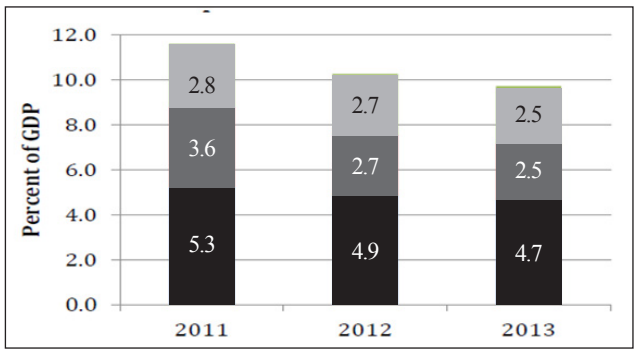

رنگ سیاه ۱۰۰فیصد: درآمدهای مالیاتی
رنگ سیاه ۷۰ درصد: عوارض گمرکی
رنگ سیاه ۳۵ درصد: درآمدهای غیرمالیاتی

عملکرد مالی:

- در هشت ماه اول ۲۰۱۴، خلای مالی تمویل ناشده ۳۶۲ میلیون دالر بود و این امر به پایین آوردن مانده‌ی وجوه نقدی و بدهی‌های به تعویق افتاده منجر شد.
- در مقایسه با ۸ ماه نخست ۲۰۱۳، منابع در حدود ۱۵۰ میلیون دالر پایین‌تر بود.
- با وجود اقدامات ریاضتی، هزینه‌ها به‌خاطر تلاش بیش‌تر در راستای تأمین امنیت و رفاه اجتماعی بیش‌تر بود.

منابع هزینه‌های ملکی و نظامی اختیاری (به میلیون دالر)

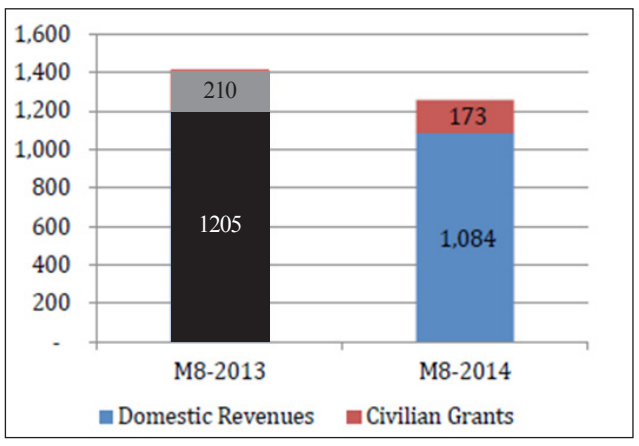

رنگ سیاه ۱۰۰ درصد: درآمدهای داخلی
رنگ سیاه ۵۰ درصد: کمک‌های غیرنظامی
کمک‌های امنیتی را در برنمی‌گیرد

اجزای هزینه‌های ملکی و امنیتی اختیاری (به میلیون دالر)

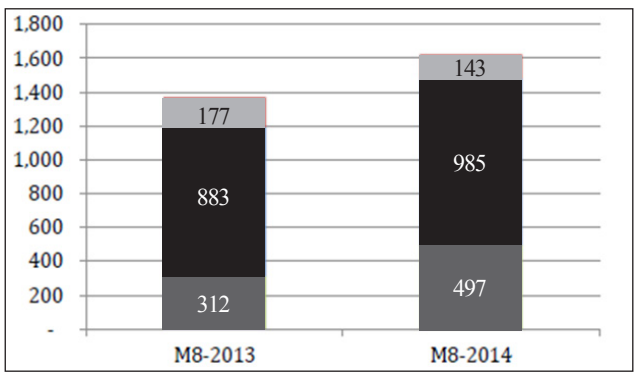

باوجود اقدامات ریاضتی، خلای مالی تمویل ناشده در سال ۲۰۱۴ حدود ۵۰۰ میلیون دالر تخمین شده است.

- مقام‌ها تعهد کرده‌اند تا برای کاهش هزینه‌های ملکی اختیاری، اقدامات ریاضتی قابل توجهی را روی دست بگیرند.
- بخشی از خلای ۵۰۰ میلیون دالری در سال ۲۰۱۴، از مانده‌ی وجوه نقدی تأمین مالی خواهد شد؛ اما برای تحت پوشش قرار دادن معاشات کارمندان ملکی و هزینه‌های حیاتی عملیاتی و انکشافی، به حداقل ۳۰۰ میلیون دالر تأمین مالی اضافی ضرورت خواهد بود.

Unfinanced Fiscal Gap and Austerity Scenario (Ministry of Finance)

US Dollars (Millions)	2013 Actual	2014 Budget	Natural Progress Scenario 2014	Austerity Scenario 2014
Expenditures				
Security Recurrent	2,155	3,063	2,504	2,504
Civilian Recurrent	1,420	1,807	1,732	1,571
Wages and Salaries	865	906	863	863
O&M	325	215	343	343
Social, Capital, Contingencies	230	686	526	365
Discretionary Development	342	870	549	330
Revenues and Grants				
Domestic Revenues	1,975	2,324	1,823	1,823
Security Contribution	575	653	653	653
Security Grants	1,580	2,409	1,851	1,851
Civilian Grants	256	535	253	253
Discretionary Balance	(42)	(459)	(850)	(474)
Civil Aviation transition			50	50
Financing Gap			(900)	(524)

اعاده‌ی ثبات مالی

تأمین کمک اضافی در بودجه‌ی فراتر از سطح برنامه‌ریزی شده

- حتا با بهبود عملکرد، برنامه‌ریزی‌ها به گونه‌ای است که درآمدها به ۱۲٫۸ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۸ افزایش یابند.
- خلای مالی تمویل ناشده در سال ۲۰۱۴ و هم‌چنین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ هم‌چنان وجود خواهد داشت.
- حفظ هزینه‌های انکشافی حیاتی است؛ در حالی که از یک طرف درآمدها پایین اند و از طرف دیگر، فشارها از ناحیه‌ی هزینه‌های تأمین رفاه امنیتی و اجتماعی بالا است.
- تمویل خلای مالی با هزینه‌ی انکشافی...

هزینه‌ها، درآمدها و اهدای کمک کننده‌ها در بودجه (به میلیون دالر امریکایی)

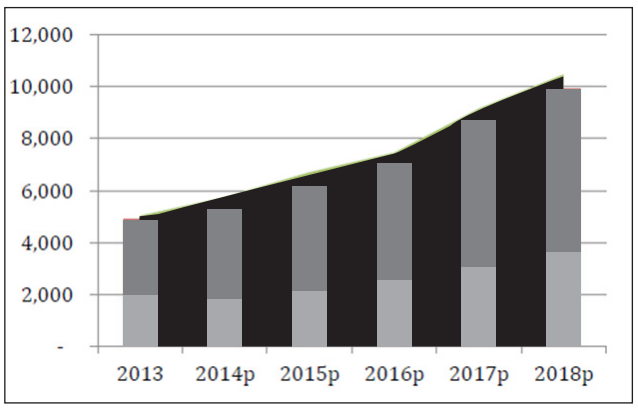

رنگ سیاه ۱۰۰ درص: هزینه‌های مجموعی
رنگ سیاه ۴۰ درصد: درآمدها
رنگ سیاه ۶۰ درصد: کمک‌های برنامه‌ریزی شده‌ی کمک کننده‌ها

خلای مالی تمویل ناشده بر اساس برآوردها به میلیون دالر امریکایی

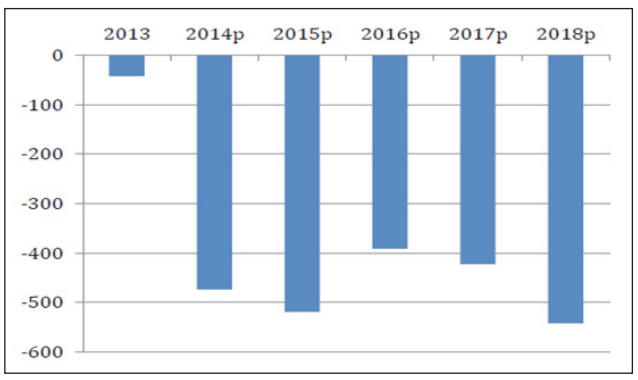

فشارهای هزینه‌ی امنیتی:

خطرهای ناشی از فشارهای هزینه‌ی امنیتی قابل توجه اند.

- خطرات ناشی از فشارهای هزینه‌ی امنیتی توسط چند عامل تشدید شده‌اند:

I. چشم‌اندازهای نامشخص درآمد و تخصیص رو به افزایش درآمد در بخش امنیت.

II. هزینه‌های رو به افزایش امنیتی، غیر از هزینه‌های نیروهای ملی امنیتی افغانستان، که باید به‌طور کامل توسط درآمدها تمویل شوند.

III. عدم تطابق بالقوه میان ضرورت‌های امنیتی و سناریوهای تأمین مالی شیکاگو.

سهم درآمد در اهداف ملکی و امنیتی به میلیون دالر

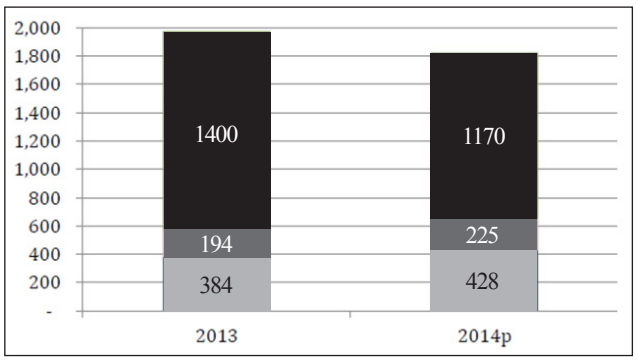

رنگ سیاه ۳۵ درصد: نیروهای ملی امنیتی افغانستان
رنگ سیاه ۷۰ درصد: امنیت (غیر از نیروهای ملی امنیتی افغانستان)
رنگ سیاه ۱۰۰ درصد: ملکی

چشم‌انداز رشد:

چشم‌انداز رشد، مشروط به کاهش عدم اطمنیان و اعاده‌ی اعتماد

- رشد اقتصادی، مشروط به کاهش عدم اطمنیان و اعاده‌ی اعتماد، ۱٫۵ درصد در سال ۲۰۱۴ تا ۳ الی ۴ درصد در سال ۲۰۱۵ برنامه‌ریزی شده است.
- یک انتقال آرام سیاسی و امنیتی در کاهش عدم اطمینان بیش از هرچیز دیگر مهم است.
- اعاده‌ی اعتماد به اصلاحاتی برای رسیدگی به نقاط ضعف کلیدی در ساحاتی چون بخش مالی، زمینه‌های سرمایه‌گذاری و سیستم اجاره‌داری زمین ضرورت خواهد داشت.
- انتظار می‌رود که پس از اعاده‌ی اعتماد؛ زراعت، معدن و خدمات، هدایت کنندگان کلیدی رشد اقتصادی در دوران پس از انتقال باشند.

گزینه‌هایی با اولویت اصلاحات

آجندای با اولویت اصلاحات:

اعاده‌ی اعتماد و حمایت از انکشاف

- اعاده‌ی ثبات مالی از طریق بهبود درآمدها، کمک کافی در زمینه‌ی امنیت و اولویت دادن به هزینه‌ها
- اعاده‌ی اعتماد سرمایه‌گذاران و ایجاد اشتغال در سکتور خصوصی از طریق رسیدگی به نقاط ضعف متقاطع و رهاسازی ظرفیت‌های باالقوه‌ی بخش زراعت، خدمات و صنایع استخراجی.
- تقویت هم‌بستگی اجتماعی و ارائه‌ی خدمات در محیطی که شکننده است و در آن جنگ جریان دارد.
- تعهدات سطح بالا در امر مبارزه با فساد، تقویت حکومت‌داری و محافظت از مدیریت مالی همگانی در پرداختن به چالش‌های توسعه در افغانستان، حیاتی اند.

خبرنگار ناراضی

هادی دریابی

حزب‌التحریک

هرچه کوشش نمی‌کنم که کاری به نحوه‌ی برگزاری مراسم عاشورا و عزاداری در کابل نداشته باشم، باز نمی‌شود. مجبور می‌شوم کوشش کنم. دیروز بعد از یک کوشش فراوان فهمیدم که با این جماعت نمی‌شود. نه می‌توان آن‌ها را راه نشان داد و نه هم خودشان متوجه می‌شوند. تا چیزی بگویی، کلاه شمر را برسرت می‌گذارند و با هفتاد و دو دلیل تکفیرت می‌کنند. کاش فقط تکفیر خشک و خالی بود، یک دفعه ببینی که خدای نخواسته یک لشکر قمه‌زن به جانت رسیده و تا نوبت می‌رسد تو را قمه می‌زند. بخدا در یک دقیقه قمه قمه می‌شوی! به نظر من هیچ ارزش ندارد که در برابر این افراط‌گرایی‌ها بایستیم. ارزش به این دلیل ندارد که دولت حساب‌گر نداریم. کشوری که دولت حساب‌گر نداشت، هیچ ارزشی در آن محترم نیست. وضع ما نیز همین است. شما هرچه به نام ارزش در این کشور سراغ دارید، بروید و گوش بدهید که یک عالم شکایت دارد یا نه؟ حقوق بشر از نقض حقوق بشر می‌نالد. اسلام از انحراف جامعه می‌نالد. جامعه‌ی مدنی، از توحش و افراط‌گرایی می‌نالد. هندوها از تبعیض علیه اقلیت‌ها می‌نالد. دموکراسی از خطر می‌نالد و خطر از دموکراسی می‌نالد و نالد از نالد می‌مانلد...

دیدید! حالا من به جای شما از خودم می‌نالم! به همین دلیل، من کاری به افراط‌گری‌ها و توحش قمه‌زن جماعت ندارم. فقط خودم می‌دانم که این حرکت، یک حرکت عاقلانه نیست و در مغایرت با مکتب کربلا قرار دارد. این نه تمثیل کننده‌ی پیروزی خون بر شمشیر است بلکه به وضوح پیروزی خون بر تنبان و ماتحت‌پوشان را نشان می‌دهد. همان‌گونه که گفتم، من نباید کاری داشته باشم، توجه شما را به خودتان واگذار می‌کنم که بر واقعیت‌های جامعه جلب می‌شود یا نه؟ این هم به من ربطی ندارد. البته ربط دارد، فقط من احساس می‌کنم که نباید ربط داشته باشد. من قبلاً پیشنهاد ایجاد حزب‌التخریب را داده بودم اما انگار یکی هوشیارتر و داناتر از من هم وجود دارد. نمی‌دانم چه کسی، اما رفته حزب‌التحریک را ایجاد نموده. این حزب موفقیت شایانی در عمل‌کردهای خویش دارد. فقط کافی است یک بار از بلندگو جیغ بزند، لشکری تهییه می‌کند که دهن فیل از حیرت، یک هفته و ۲۴ و نیم ثانیه باز می‌ماند. اوه اوه ماشاءالله به قدرت این حزب! کاش هنگامی که بچه بودم و وقت رشد استعداد و مغزم بود، این طالبان حرام‌زاده منطقه‌ی ما را تحت تحریم قرار نمی‌داد و ما می‌توانستیم به اندازه‌ی کافی نان داشته باشیم. اما نشد، ما آن‌زمان‌ها سوختیم. به همین دلیل یک نفر هوشیارتر از من پیدا شده و رفته حزب‌التحریک را فعال نموده است. این حزب، به تمام معنا ملی است. از آن‌جایی‌که در وطن ما اقوام زیاد زندگی می‌کند، تحریکات زیادی هم وجود دارد. مثلاً همین روزها در غرب کابل کافی است شما بیرق یزید را بلند کنید، دیگر نه حرفی از آزادی عقیده وجود خواهد داشت و نه هم شما! البته این که شما گفتم ببخشید! چون ناخودآگاه شما رسیدید به ذهنم! اگر ناراحت شدید، من را به جای شما تصور کنید (به نظرم از بد بدتر شد). به نظر من که اصلاً لازم نیست در هم‌چو شرایط حساس بیرق یزید را یا من یا شما بلند کنیم چون ما برای زندگی خلق شده‌ایم نه برای بلند کردن بیرق یزید! یزید هم شاید هیچ علاقه‌ی به بلند کردن بیرقش نداشته باشد (چندان بیرقی هم نبوده، می‌گوید یک روی بیرق یزید یک خرس چاپ بوده و روی دیگر شعله‌های آتش، فقط نمی‌دانم این دو تصویر با هم تناسب دارد یا نه؟). گفته می‌شود که پشت هر افراط‌گرایی در این وطن، یک مامور حزب‌التحریک خوابیده که کارش تحریک و به جوش آوردن یک جمعیت فوق بی‌نظیر و احساساتی است. مثلاً بارها شده برای دفاع از دین، تظاهرات شده و در آن هرچه از دهن تظاهرکننده‌گان بیرون آمده در مذمت دموکراسی گفته شده. البته این‌گونه نیست که جمعیت زودجوش و احساساتی هیچ نکته‌ی مثبتی نداشته باشد، دارند. فراوان هم دارند. مثلاً یکی از خوبی‌های این جماعت این است که به طور مثال وقتی بخواهی از ایبولا شکایت کنی و از خطرات آن بنویسی، در جوابت می‌نویسند «مگر ایبولا از مرض فحشا خطرناک‌تر است؟ مگر خطر ایدز که نتیجه دموکراسی و سرمایه‌داری است، از ایبولا کم‌تر است؟ مگر انحطاط فکری جوانان اسلام، به خاطر پیروزی نظام سرمایه داری نیست؟ مگر سرمایه‌داری و دموکراسی ما را از پیش‌رفت دور نگه نمی‌دارند؟ یا سوال می‌کند به نظر شما یک نفر در اروپا موتر می‌سازد و کتلاک ساخت موتر را نزد خودش دارد، آیا او نسبت به شما در مورد آن موتر بهتر نمی‌داند؟ وقتی بگویی بلی طبعاً که او بهتر می‌داند، می‌فرماید که خدا مارا خلق کرده و قرآن کتلاک خلقت نظام هستی است، آیا هنوز هم قبول نداری که خدا بهتر از ما می‌فهمد؟». فقط یکی نیست بگوید برادر من! اگر خدا مرا خلق کرده، بدون شک که تو را هم خلق کرده. اگر کتلاک من دست خداست، از تو هم دست خداست.

ببخشید فکر کنم کسی در درون من جای گرفته و از اقارب حزب‌التحریک می‌باشد و نمی‌گذارد من مثل آدم حرف بزنم! اما شما ببخشید.

کار دشوار در یک کشور دشوار

مصاحبه‌ی روزنامه‌ی «لیتر» با عمرتای باتیموف، سفیر جمهوری قزاقستان در کابل

برگردان: مهدی زرتشت

اشاره: جمهوری قزاقستان، از شروع دولت انتقالی تا امروز یکی از کشورهایی بوده است که کمک‌های زیادی را به افغانستان ارائه کرده است. ساخت و ساز شاهراه‌ها، مکتب‌ها و مراکز آموزشی و درمانی، کمک‌های مواد غذایی به آسیب‌دیدگان سیلاب در شمال کشور و همین طور، اعطای هزار بورس تحصیلی به دانشجویان کشور در مقاطع مختلف تحصیلی در دانشگاه‌های قزاقستان، از مهم‌ترین کمک‌های بشردوستانه‌ی این کشور به افغانستان اند. سوابق رابطه‌ی سیاسی میان دو کشور افغانستان و قزاقستان نیز نیک و حسنه است و طی سال‌های اخیر، به‌شمول رییس جمهور پیشین، حامد کرزی، مقام‌های مهم دولت سفرهای زیادی به کشور قزاقستان داشته‌اند و قرار معلوم، بیش‌تر گفت‌وگوها روی گسترش روابط سیاسی و اقتصادی و همین طور، روابط فرهنگی بوده‌اند. از سویی، دولت قزاقستان هم‌چون روسیه و سایر جمهوری‌های آسیای میانه، معتقد است که ثبات در افغانستان، به معنای ثبات کل منطقه‌ی آسیای میانه است. از همین‌رو، جمهوری قزاقستان به سهم خودش تلاش دارد تا ضمن حفظ روابط سیاسی، بر اوضاع سیاسی آینده‌ی افغانستان نیز اشراف داشته باشد.

روزنامه‌ی «لیتر» چند روز پس از توافق نهایی برای تشکیل دولت وحدت ملی، با سفیر جمهوری قزاقستان در کابل، گفت‌وگویی انجام داده است. در این مصاحبه، سفیر جمهوری قزاقستان، ضمن تحلیل و ارزیابی اوضاع سیاسی فعلی افغانستان، در لابلای صحبت‌هایش چشم‌اندازی از روابط سیاسی دو کشور در آینده نیز ارائه می‌کند.

***

مصاحبه از روزنامه‌ی «لیتر»

منبع: وب‌سایت وزارت امور خارجه‌ی جمهوری قزاقستان (МИД РК)

عمرتای باتیموف، سفیر تام‌الاختیار جمهوری قزاقستان و یکی از متخصصان کارکشته در حوزه‌ی شرق میانه و کارمند امنیت ملی و رییس اطلاعات خارجی کشور، در زمینه‌های ذیل، با ما صحبت می‌کند: افغانستان چه تجربه‌ای را می‌تواند از قزاقستان وام بگیرد، روابط دو جانبه میان افغانستان و قزاقستان چگونه توسعه می‌یابد و کارمندان دفتر سفارت تحت کدام شرایطی در کابل کار می‌کنند.

اوضاع داخلی افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همان طور که دیده می‌شود، در این مرحله‌ی جدید، افغانستان در شرایط دشواری به‌سر می‌برد. تا پایان سال جاری، مأموریت بخش عمده‌ی نظامی نیروهای تأمین امنیت آیساف، پایان می‌یابد و آن‌ها افغانستان را ترک می‌کنند. در همین راستا، انتقال کامل مسئولیت‌های امنیتی به مقام‌های افغانستان، هم‌چنان ادامه دارد. علاوتاً، طی این سال‌ها، کشور به لحاظ سیاسی اشباع شد. خب، اوضاع مبهم باقی مانده است. هنوز مسایلی در ارتباط به انتخابات به سرانجام رسیده‌ی ریاست جمهوری و رقابت یکی از کاندیداها– دکتر عبدالله عبدالله، وزیر پیشین امور خارجه، باقی مانده است.

روند سیاسی شروع انتخابات امسال ریاست جمهوری در ماه آپریل، غیرقابل پیش‌بینی بود. به تاریخ ۱۴ سپتامبر سال جاری، مرحله‌ی شمارش مجدد آرا با مشارکت تعداد زیادی از ناظران ملی و بین‌المللی و از جمله سازمان ملل متحد و اتحادیه‌ی اروپا، به اتمام رسید. به تاریخ ۲۱ سپتامبر، دو کاندیدا توافق‌نامه‌ی تشکیل دولت وحدت ملی را امضا کردند. در همین زمان، کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان، اشرف غنی را به عنوان رییس جمهور و عبدالله عبدالله را به عنوان رییس اجرایی دولت جدید اعلام کرد. انتظار می‌رود طی دو سال آینده، لویه جرگه– شورای عالی نمایندگان افغانستان– پست نخست‌وزیری را ایجاد کند.

مردم افغانستان به دولت وحدت ملی، امیدهای زیادی را بسته‌اند و انتظار دارند که سیاست‌های این دولت، افغانستان را به بازسازی و توسعه برساند. در کنار این مسایل، با تأسف می‌خواهم خاطرنشان کنم که پس‌منظر این امیدها و انتظارات، ترس‌هایی ناشی از فعالیت شورشیان و نیروهای خطرناک ضددولت و از جمله «طالبان» شبکه‌ی حقانی، جناح حزب اسلامی گلبدین حکمت‌یار و القاعده، تشکیل می‌دهد.

هم‌چنین باید توجه داشت که نیروهای امنیت ملی افغانستان ((AHCБ ضمن تلفات، اما به‌طور کلی با موفقیت‌هایی نیز روبه‌رو شده‌اند. شرایط از آن‌جا سخت‌تر می‌شود که افغانستان ضمن دشواری‌های اقتصاد ملی، هنوز هم به‌شدت وابسته به کمک‌های خارجی است. تنها در این دوره از انتخابات، وزارت مالیه ۵ میلیارد دالر صدمه دید و ۶ میلیارد دالر از کشور خارج شد.

با این حال، دولت افغانستان در نتیجه‌ی حمایت جامعه‌ی بین‌المللی و از جمله کمک کنندگان داوطلب، سازمان ملل متحد، اتحادیه‌ی اروپا، کشورهای عربی و آسیای مرکزی و از جمله قزاقستان، به نتایج نسبتاً مثبت اوضاع اقتصادی رسیده است.

وضعیت فعلی روابط دو جانبه میان افغانستان و قزاقستان چگونه است و در آینده چطور؟

همکاری کشور ما تنها به ارائه‌ی کمک‌های بشردوستانه محدود نمی‌شود. به‌طور خاص، در چارچوب کمک‌های قزاقستان به افغانستان، بزرگراه تالقان–قندز–شیرخان بندر، بازسازی شده است. هم‌چنین ساخت و ساز یک مکتب و یک شفاخانه نیز تکمیل شده است. حمایت مالی [از سوی قزاقستان] به مبلغ ۱،۵ میلیون دالر امریکایی برای توسعه‌ی پروژه‌ها آماده می‌شود.

ادامه دارد...

نقش رولا غنی در دفاع از آزادی و حقوق زنان

بشیر یاوری

هنجارها و الگوها زمانی می‌توانند مفید باشند که کارکرد مثبت داشته باشند و بتوانند یک ارزش معنوی و اخلاقی را پاسبانی کنند. اگر چادری را با این نگرش ارزیابی کنیم، اول این نوع پوشش با شخصیت و روح بلند انسانی مغایرت دارد و نماد کامل تحقیر، تبعیض و سرکوب می‌باشد. هرکسی که به این پوشش نگاه عمیق داشته باشد، درک می‌کند که این پوشش برای زن مناسب نیست و پیش از این‌که به حفظ وقار زن کمک کند، زن را اسیر، حقیر و تحت ستم و موجود ستم‌پذیر معرفی می‌کند. مسئله‌ی دیگر این است این نوع پوشش به عنوان وسیله‌ی کارهای نادرست اخلاقی و روپوشی برای جنایت و عمل انتحاری استفاده می‌شود. تحمیل این نوع پوشش برای زنان و استفاده‌ی بد از آن توسط مردان یک کار ارزشمند نیست و نمی‌تواند حافظ ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی باشد.

رولا غنی، بانوی اول کشور به خبرگزاری فرانسه گفته است که با سیاست دولت فرانسه در مورد منع پوشش برقع و روبندها در اماکن عمومی موافق است؛ زیرا برقع و روبند مانع قدرت دید برای زنان می‌شود؛ بر بینایی زنان تأثیر منفی می‌گذارد. اما در مورد پوشش برقع که در افغانستان رواج دارد و زنان آن را می‌پوشند، چیزی نگفته است. رولا غنی لبنانی‌الاصل است و در اواخر دهه‌ی شصت در دانشگاه ساینس پو در فرانسه تحصیل کرده است و مدتی را به عنوان خبرنگار فرانس پرس در بیروت، پایتخت لبنان فعالیت کرده است. خانم غنی پس از آن‌که شوهرش محمد اشرف غنی در انتخابات برنده اعلام شد، در چندین برنامه‌ی رسمی شرکت کرد و در مورد وضعیت زنان افغانستان گفته است که می‌خواهد برای زنان افغانستان کارهای چشم‌گیری را انجام دهد و قبل از آن‌که ریاست جمهوری را به عنوان بانوی اول ترک کند، می‌خواهد نگاه بدبینانه به زن در افغانستان تضعیف شود و زنان به حقوق و آزادی‌های‌شان برسند. خانم غنی پس از سه و نیم دهه، یگانه بانوی اول مملکت است که در انظار عمومی ظاهر می‌شود و به عنوان بانوی اول، دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی خویش در مورد موضوعات کشور را بیان می‌کند.

جامعه‌ی افغانستان یک جامعه‌ی سنتی است و نگاه و فرهنگ جامعه بر ارزش‌های مردانه استوار است. به این خاطر، زنان در این جامعه از حقوق انسانی‌شان محروم می‌باشند. تاریخ مبارزات زنان برای حقوق‌شان و تلاش‌ها برای رفع محدویت علیه زنان، به نزدیک به صدسال پیش برمی‌گردد. زمانی که ملکه ثریا به عنوان بانوی روشنفکر و تحصیل‌کرده گام به گام شاه آمان‌الله، او را در برنامه‌های روشنگرایانه و سفرهای خارجی‌اش همراهی کرد و مجله‌ی ارشادالنسوان را منتشر نمود و در راستای روشنگری و تحقق آزادی‌ها برای زنان تلاش کرد. از آن وقت تا کنون این تلاش‌ها با دشواری‌های بس بزرگی همراه بوده‌اند. تاریخ کشور این واقعیت را در حافظه دارد. آن‌چه که باعث شد سنت‌گرایان از آن برای بسیج مردم و تکفیر شاه امان‌الله استفاده کنند، برنامه‌ی کشف حجاب و انتشار تصویر ملکه ثریا با الگو و لباس‌های اروپایی او بود که سنت‌گرایان آن را نماد کفریت خواندند و از آن برای تحریک احساسات مذهبی مردم علیه جریان نوگرای امان‌الله خان بهره‌برداری کردند. تا هنوز مسئله‌ی زن در افغانستان از جمله‌ی حساس‌ترین موضوعات می‌باشد. بانیان ارزش‌های سنتی، دفاع کردن از حقوق و آزادی‌های اجتماعی زنان از چنگال هنجارهای زن‌ستیزانه را نمی‌پذیرند و آن را برنامه‌ی غربی‌ها برای تضعیف ارزش‌های اسلامی تلقی می‌کنند.

نوعیت حجاب می‌تواند یک امر انتخابی باشد. نمی‌شود یک نوع حجاب را برای تمامی افراد جامعه سفارش داد یا در برابر آن مخالفت کرد. آن‌چه که در این مورد مهم است، پاسخ به این شبهه است که آیا گفته می‌توانیم برقع یا چادری که هم اکنون در افغانستان رواج دارد، می‌تواند یک حجاب معیاری ارزشی و دینی باشد و در متون دینی گفته شده است که این نوع پوشش برای زنان مسلمان مناسب است؟ اگر حساسیت‌برانگیز بودن پوشش را ملاک قرار دهیم و آن را معیاری برای ترویج و عامل فسادهای اخلاقی بدانیم، چرا رعایت آن تنها برای زنان الزامی است و تنها زنان مکلف می‌باشند که از یک نوع پوشش پیروی کنند و چرا نوعیت و پوشش مردان نمی‌تواند مسئله‌برانگیز محسوب شود؟ همه‌ی این موضوعات نیاز به تحلیل و ارزیابی دارند.

هنجارها و الگوها زمانی می‌توانند مفید باشند که کارکرد مثبت داشته باشند و بتوانند یک ارزش معنوی و اخلاقی را پاسبانی کنند. اگر چادری را با این نگرش ارزیابی کنیم، اول این نوع پوشش با شخصیت و روح بلند انسانی مغایرت دارد و نماد کامل تحقیر، تبعیض و سرکوب می‌باشد. هرکسی که به این پوشش نگاه عمیق داشته باشد، درک می‌کند که این پوشش برای زن مناسب نیست و پیش از این‌که به حفظ وقار زن کمک کند، زن را اسیر، حقیر و تحت ستم و موجود ستم‌پذیر معرفی می‌کند. مسئله‌ی دیگر این است این نوع پوشش به عنوان وسیله‌ی کارهای نادرست اخلاقی و روپوشی برای جنایت و عمل انتحاری استفاده می‌شود. تحمیل این نوع پوشش برای زنان و استفاده‌ی بد از آن توسط مردان یک کار ارزشمند نیست و نمی‌تواند حافظ ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی باشد.

نیت و باور خانم غنی در مورد نفی برقع و روبنده‌ها قابل احترام است و شجاعت و نگاه انسانی او را در مورد زن می‌رساند. حالا که او در افغانستان در مقام بانوی اول می‌باشد، می‌تواند نقش مهمی را در راستای دفاع از حقوق انسانی زن و رفع محدویت‌ها و تبعیض علیه زنان از خود نشان دهد. آن‌گونه که خودش در مصاحبه با بی‌بی‌سی گفته است که از مشکلات و دشواری‌های زندگی و وضعیت زنان باخبر افغانستان است و آن را درک می‌کند، امید می‌رود که با حمایت رییس جمهور و زمینه‌های بهتری که در طول پنج سال آینده در اختیار دارد، به‌طور زیرکانه و آگاهانه برای حمایت از حقوق و جایگاه زنان در افغانستان کارهای ماندگاری را از خود به‌جا بگذارد. خانم غنی می‌تواند در زمینه‌هایی چون حمایت رسمی از حقوق و آزادی‌های زنان و خنثاسازی برنامه‌های ضدآزادی‌های اجتماعی زنان، جلب کمک‌های جهانی در زمینه‌ی مساعدت به زنان، حمایت از دادخواهی زنان و به محاکمه کشاندن ناقضان حقوق زن، نقش مؤثر و مهمی داشته باشد. اما تمامی این امیدواری‌ها به معنای این نیست که خانم غنی در راه تحقق این اهداف با مشکلات مواجه نمی‌شود. در این زمینه لازم است که خانم غنی تمام برنامه‌ها را در مشوره با رییس جمهور و زنان فعال کشور انجام دهد و نسبت به حساسیت‌های سنتی جامعه‌ی افغانستان محتاط باشد.

فرهنگ مردسالار در افغانستان و سرنوشت حقوق زنان

عباس فراسو

مسئله‌ی احقاق حقوق زنان در افغانستان از چه قرار است؛ چه موانع و مشکلاتی فراروی آن قرار دارد؛ چگونه می‌توان آن را آسیب‌شناسی کرد و چالش‌های فراروی مدافعان حقوق زنان را برشمرد؟ البته در میان کشورهای اسلامی تجربه‌های موفقانه‌ی زیادی از احقاق حقوق زنان نداریم. در عربستان سعودی، طرح حقوق زن هنوز یک تابو است. تجربه‌ی کشورهای دیگری چون ایران و ترکیه متفاوت است؛ در ترکیه اصلاحات کمال اتاترک سبب شد که زنان ترکیه در ۱۹۳۴، پیش از زنان اروپا، صاحب حق رای و انتخاب شدن در عرصه‌ی سیاسی شوند. در ایران قبل از انقلاب تلاش‌هایی برای احقاق حقوق زنان صورت گرفتند؛ ولی بعد از انقلاب ۱۹۷۹ یک عقب‌گرد فاحش در این زمینه به وجود آمد. در سایر کشورهای اسلامی، مانند مراکش نیز تلاش‌هایی برای احقاق حقوق زنان صورت گرفتند و در سال ۱۹۹۳ سلطان حسن دوم مجبور شد که بر اثر فعالیت اتحادیه‌ی حرکت زنان، برای اولین بار تغییرات مثبتی در قوانین به‌وجود آورد. در افغانستان برای اولین بار در زمان شاه امان‌الله تلاش‌هایی از سوی حکومت صورت گرفت و سپس در زمان چپی‌ها این تلاش‌ها ادامه یافت. این تلاش‌ها هم در زمان امان‌الله شکست خورد و هم بعد از سقوط داکتر نجیب توسط مجاهدان، مسئله‌ی حقوق زن نه تنها که نادیده گرفت شد، بل‌که جداً با آن مخالفت صورت گرفت. در زمان طالبان، زن بودن به جرم تبدیل شد. در افغانستان پس از طالبان تلاش شد برای زنان حمایت‌های حقوقی ایجاد شوند. اما مسئله‌ی اصلی هم‌چنان اصلاح فرهنگ مردسالار، اصلاح قوانین و اجرایی شدن این قوانین است. این در حالی است که گروه‌هایی مثل طالبان، حزب التحریر، القاعده و داعش از شاخ آفریقا گرفته تا جنوب آسیا و قفقاز، زن‌ستیزند و نگرانی‌های زیادی نسبت به آینده‌ی دموکراسی و حقوق زنان در کل منطقه خلق کرده‌اند. در بُعد داخلی نیز مشکلات فراوانی فراروی حقوق زنان وجود دارند. بنابراین، سه عنصر مهمِ سنت/ فرهنگ مردسالار، دولت و اجرای قانون مورد توجه این یادداشت اند.

فرهنگ مردسالار

فرهنگ و سنت مردسالار عبارت از آن فرهنگی است که مرد را در مناسبات اجتماعی، خانواده و قوانین دارای حق بیش‌تر نسبت به زن می‌داند و ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردسالار را بر زنان تحمیل می‌کند. بنیاد فرهنگ مردسالار، سلطه‌گری مردانه است و حتا در شدیدترین وجه آن، مرد حق مالکیت بر زن را دارد. فرهنگ‌ها معمولا سابقه‌ی بلند تاریخی دارند که ارزش‌ها و هنجارهای مشخصی را در یک فرایند تاریخی برساخته‌اند و فرهنگ‌های مردسالار نیز پدیدارهای سخت و ضخیم تاریخی و با ریشه‌های عمیق در باورهای دینی، اسطوره‌ای و قبیله‌ای می‌باشند. به این دلیل، فرهنگ مردسالار هنجارها و ارزش‌های مردسالارانه را بر جامعه تحمیل می‌کند.

مدافعان حقوق زن از یک طرف در جامعه با مانع فرهنگی مواجه اند و از طرف دیگر، با دولت و ساختارهای حقوقی زن‌ستیز درگیر می‌باشند. فرهنگ مردسالار و ضدزن چنان قدرت‌مند بوده است که در بعضی موارد گروه‌های بزرگی از زنان، در برابر جنبش‌های مدافع حقوق زنان و جنبش‌های فمینیستی به میدان آمده و از فرهنگ مردسالار حمایت کرده‌اند. عدم آگاهی و میزان از خودبیگانگی در میان گروه‌های زنان حکایت از تسلط سنت و فرهنگ مردسالار دارد. به عنوان مثال، در مراکش در برابر تظاهرات اتحادیه‌ی حرکت زنان در روز جهانی زن در سال ۲۰۰۰، اسلام‌گراها، به‌خصوص حزب عدالت و توسعه، زنان محجبه را به خیابان‌ها آوردند که از فرهنگ مردسالار حمایت می‌کردند. اما بالاخره اعتراض‌های زنان مراکشی سبب شدند که سلطان محمد پنجم در ۲۰۰۴ قانون را به نفع زنان اصلاح کند و این بزرگ‌ترین دست‌آورد زنان در تاریخ مراکش تلقی می‌شود: حق چندهمسری محدود شد، زنان حق طلاق حاصل کردند و سن ازدواج از ۱۵ به ۱۸ بالا برده شد. در افغانستان، وقتی فعالانِ حقوق زن دست به تظاهرات علیه قانون احوال شخصیه زدند، محافظه‌کاران مذهبی، گروهی از زنان را به خیابان کشاندند که بر ضد زنان مخالف این قانون شعار دادند.

پس مانع اساسی فراروی جنبش‌های فمینیستی و مدافع حقوق زنان، فرهنگ و سنت‌های مردسالار است که در کشورهای اسلامی پشتوانه‌ی عمیق دینی، مذهبی و قبیله‌ای دارند و تغییر این سنت و فرهنگ عمدتا با شکست مواجه است. به‌خصوص پشتوانه‌ی دینی و مذهبی آن تا آن‌جا سخت‌جان بوده است که روایت‌های معتدل مذهبی نیز در این پس‌زمینه‌های فرهنگی با شکست مواجه اند.

دولت‌ها و جوامع مردسالار

در بستر فرهنگ مردسالار غالبا دولت‌های مردسالار حاکمیت دارند. دولت مردسالار (این اصطلاح غیرمعمول است، ولی عجالتا می‌تواند مفهوم مورد نظر را افاده کند) به این معنا که دولت‌ها از یک طرف بازتاب‌دهنده‌ی مناسبات فرهنگی مردسالارند و منافع گروه‌های پدرسالار را حمایت می‌کنند و از طرف دیگر، در نفس خود، به لحاظ اعمال قدرت و سیستم بروکراتیک، نرینه‌محور می‌باشند. در بسیاری از موارد چارچوب‌های حقوقی این دولت‌ها نیز متکی بر بنیادهای مردسالارانه می‌باشد، به‌خصوص دولت‌های تیوکراتیک اسلامی (نمونه، ایران) یا دولت‌های مبتنی بر سنت‌های قبیله‌ای (عربستان سعودی) از فرهنگ و سنت‌های مذهبی برای اعمال قدرت و مشروعیت سیاسی خود استفاده می‌کنند، به حقوق زنان احترام ندارند و زنان به‌صورت آشکارا تحقیر می‌شوند. مثلا در کویت، بحرین و قطر در سال ۲۰۰۵، زنان دارای حق رای شدند. در عربستان هنوز حق رای ندارند. در حوزه‌ی خلیج فارس، شاید ایران تاریخ بلندتری در اعطای حق رای به زنان دارد. اما در همه‌ی این کشورها، نگاه مسلط سیاسی بر جامعه و فرهنگ، مردسالارانه است و دولت‌ها نیز بازتاب‌دهنده‌ی اصلی نگاه مردانه می‌باشند.

به همین نسبت، فشار بر دولت‌های مردسالار همیشه یکی از مسئله‌های اصلی جنبش‌های مدافع حقوق زن بوده است. بدون استثنا در کشورهای اسلامی خاور میانه، به‌شمول افغانستان، اعتراض‌های جنبش‌های مدافع حقوق زن، تنها بر متولیان فرهنگ مردسالار نبوده‌اند، بل‌که در برابر دولت‌ها نیز بوده‌اند. این اعتراض‌ها عموما یا به دلیل اصلاح قوانین بوده‌اند (نمونه، مراکش و ایران) یا این اعتراض‌ها برای جلوگیری از تصویب قوانین ضدزن بوده‌اند، یا برای حمایت از زنان (نمونه، افغانستان و اعتراض در برابر قانون احوال شخصیه و دفاع از زنان قربانی) انجام شده‌اند. خصوصا در جوامعی که ارزش‌های سنتی و فرهنگی سیاسی شده‌اند، فضا برای مدافعان حقوق زنان تنگ‌تر شده و دولت‌ها کمتر آماده‌ی اصلاحات یا جلوگیری از قواین زن‌ستیز یا هم حمایت از زنان می‌باشند.

اجرای قوانین و حمایت از زنان

در جوامعِ با فرهنگِ مردسالار و دولت‌های مردسالار، یکی دیگر از معضلات، اجرایی نشدن قوانین و نَبود حمایت‌های حقوقی از زنان است. در این شرایط با دو نوع دولت مواجهیم؛ یکی دولت‌هایی که از بنیاد معتقد به حقوق زن و برابری زن و مرد نمی‌باشند و دیگری دولت‌هایی که توانایی اجرایی کردن قوانین را ندارند. در مورد اول، به کشورهایی مثل عربستان اشاره شد. اما در کشورهای در حال گذار به سوی دموکراسی که نهادهای دموکراتیک ضعیف اند، مشکل جدی، حمایت از زنان و اجرایی شدن قوانین می‌باشد. در این کشورها عموما نهادهای مجری قانون ضعیف یا فاسد می‌باشند؛ مثلا افغانستان. دولت افغانستان تا هنوز ظرفیت لازم برای اجرای قوانین را ندارد و نیز گروه‌های محافظه‌کارِ مخالف با حقوق بشر و حقوق زنان بر دولت نفوذ سهم‌گین دارند.

در این کشورها، نهادهای قضایی نیز ضعیف و غالبا فاسد می‌باشند و این نهادها قادر به تحقق عدالت بر اساس قوانین دموکراتیک نیستند. مهم‌ترین نهاد دیگر در این دولت‌ها، پولیس است که معمولا ضعیف یا غرق در فساد گسترده می‌باشد. این سبب می‌شود که از جرم و جنایت علیه زنان جلوگیری نشود و قوانین بدون اجرا باقی بمانند. نکته‌ی مهم دیگر در اجرایی نشدن قوانین، فرهنگ مردسالار است و جامعه در برابر اجرایی شدن قوانین دموکراتیک و حمایت از زنان، مقاومت می‌کند و در نهایت زنان قربانی می‌شوند.

با توجه به آن‌چه ذکر شد، مدافعان و فعالان حقوق زن در افغانستان با چالش‌های زیادی مواجه اند. فرهنگ و سنت مردسالار، دولت ضعیف با نفوذ نیروهای پدرسالار و عدم اجرایی شدن همه‌جانبه‌ی قوانین، از جمله‌ی مشکلات جدی در برابر زنان اند. این در حالی است که مناسبات اقتصادی نیز در افغانستان، مثل بسیاری از کشوری‌های اسلامی، مردسالار است و منابع درآمد به دست مردان قرار دارند و اکثرا زنان اجازه‌ی کار بیرون از خانه را ندارند یا مصروف کارهای خانه اند که مزد ندارد یا با درآمد مردان خانواده شریک نمی‌باشند. این نشان می‌دهد که زنان با چالش‌های ساختاری، سیاسی، حقوقی و اقتصادی بسیار فراگیر دسته و پنجه نرم می‌کنند. علاوه براین، نبود حمایت قانونی از زنان و عدم آگاهی از تنظیم خانواده سبب افزایش فشار بر زنان شده است. در بسیاری از نقاط افغانستان زنان حق ندارند در محدویت زاد و ولد نقش داشته باشند یا اصلا آگاهی ندارند و این اولین مرحله‌ی زیر فشار قرار گرفتن زنان است که پیامدهای بسیار زیادی برای زنان و جامعه در پی دارد. در بستر فرهنگ مردسالار زنان حق ندارند این مناسبات را زیر پرسش قرار بدهند.

سخن آخر

اصلاح فرهنگ مردسالار، فشار بر دولت و اصلاح قوانین، تلاش برای اجرایی شدن قوانین دموکراتیک، نیاز به شکل‌گیری جنبش زنان و حمایت‌های گسترده‌ی بین‌المللی دارد. به عنوان مثال، در مراکش ظهور جنبش زنان به استقلال این کشور از فرانسه برمی‌گردد که تا هنوز ادامه دارد و سبب اصلاحات در قوانین خانواده شد. حمایت بین‌المللی از کمپاین یک میلیون امضای زنان در مراکش در سال ۱۹۹۳ سبب شد که دولت از خود انعطاف‌پذیری نشان بدهد. در ایران نطفه‌ی جنبش زنان با جنبش مشروطه‌خواهی شکل گرفت و تا هنوز یکی از جنبش‌های معتبر برای دفاع از حقوق زنان و حقوق مدنی مردم ایران به حساب می‌رود. با توجه به انقلاب عقب‌گرای ۱۹۷۹ ایران، این جنبش زنان در داخل و خارج بود که سبب شد گفتمان دفاع از حقوق زنان باقی بماند.

اما در افغانستان جنبش زنان شکل نگرفته است. برای اولین بار ملکه ثریا، همسر شاه امان‌الله بود که در محافل سیاسی ظاهر شد و با شاه به سفر رفت. ملکه ثریا و شاه امان‌الله برای باسواد کردن زنان و اعاده‌ی حرمت زنان تلاش کردند. پس از آن در سیاست رسمی حکومت، حمایت از زنان به چشم نمی خورد. در دوران حکومت‌های چپی (کمونیست‌ها) حمایت از زنان در سیاست رسمی دولت بازتاب پیدا کرد؛ اما هیچ‌گاه در افغانستان جنبشی از میان زنان که بتواند دولت و مناسبات اجتماعی را به نفع زنان اصلاح کند، نداشته‌ایم. بدون جنبش زنان، واقعا نمی‌توان از حقوق زنان دفاع کرد، قوانین را اصلاح کرد، قوانین دموکراتیک را اجرا کرد، یا هم انتظار خوش‌بینانه داشت. برای پایان حقارت زنان در جامعه‌ی مردسالار و قبیله‌ای افغانستان که از جانب دیگر، کماکان در کام بنیادگرایی مذهبی به مثابه یک ایدیولوژی ضدزن فرومی‌رود، نیاز به ایجاد و تقویت جنبش زنان و حمایت‌های بین‌المللی وجود دارد. همین‌گونه، رهبری سیاسی اهمیت بسیار کلیدی در حمایت از زنان دارد؛ مثلا شاه امان‌الله خان در تاریخ افغانستان و حمایت سلطان محمد پنجم از زنان مراکشی در برابر اسلام‌گراها در ۲۰۰۴، نمونه‌های برجسته‌ی حمایت رهبری سیاسی از زنان می‌باشند.

منبع: ویژه‌نامه‌ی توانایی و تنهایی (ویژه‌ی زنان)– ضمیمه‌ی روزنامه‌ی اطلاعات روز، یک‌شنبه، ۹ سنبله ۱۳۹۳

چهل تکه

یادداشت‌های سخیداد هاتف

از این جا تا فاجعه

در افغانستان، پیروان دو مذهب بزرگ تسنن و تشیع معمولا به خانواده‌ی پیامبر اسلام که می‌رسند، با هم‌دیگر مدارا می‌کنند. گویی هردو می‌دانند که آن کس که به خانواده‌ی پیامبر اسلام مهر بورزد، مسلمان و مؤمن است و نمی‌توان به‌راحتی او را از خود راند. یکی از نمونه‌های بارز این به‌هم رسیدن، ایام محرم و عزاداری به‌خاطر رویداد غم‌انگیز کربلاست. هرچند عزاداری در ماه محرم به‌طور کلی یکی از شاخصه‌های مذهب تشیع تلقی می‌شود، سنی‌ها نیز خود را در این ماه عزادار می‌دانند و از راه‌های گوناگون نشان می‌دهند که از آن‌چه در کربلا بر خانواده‌ی پیامبر رفت، ناراحت و بیزار اند. به همین خاطر، وقتی که ماه محرم می‌رسد، کسی احساس نمی‌کند که اهل تسنن افغانستان از فرارسیدن این ماه، دلگیر و ملول شوند. یعنی آن حس مشترکِ «این غم همه‌ی ماست»، در ایام محرم این امکان را فراهم می‌آورد که اقلیت شیعه‌ی افغانستان بتواند به‌راحتی در این ماه عزاداری کند.

اما به نظر می‌رسد که عزاداری شیعیان در ماه محرم رفته-رفته به‌دست افراطیانِ جدایی‌طلب به فرصتی برای بیگانه شدن از بافت سنتیِ جامعه‌ی افغانستان تبدیل می‌شود. افراطی‌ها سعی می‌کنند مراسم عزاداری محرم و عاشورا در کابل به گونه‌ای برگزار شود که هر سال نشانه‌های بیش‌تری از تمایز میان سنی و شیعه داشته باشد. روندی آغاز شده است که هدف از آن «تخصیص» بخشیدن عزاداری به شیعیان است. هر سال بر غلظت نشانه‌های این تخصیص افزوده می‌شود. نحوه‌ی برگزار کردن مراسم عزاداری طوری پیچیده و تخصصی می‌شود که دیگر سنی‌ها نتوانند در آن مشارکت کنند و سرانجام به‌جایی برسند که بگویند، «این مراسم از ما نیست و به ما ربطی ندارد». این همان چیزی است که افراطیان داخلی و کارگزاران ایدیولوژیک نظام‌های مذهبی خودکامه‌ی منطقه، نظیر ایران و عربستان، می‌خواهند. بیگانگی و «دیگر» شدن سنی‌ها و شیعیان برای هم‌دیگر از این طریق ممکن می‌شود که پیروان این دو مذهب نتوانند در تجربه‌های مشترک از دین‌داری هم‌دیگر مشارکت کنند. وقتی که این بیگانگی جدی و حاد شود، آن‌گاه نوبت به تخاصم فیزیکی و رو در رو می‌رسد.

ظاهراً رهبران مذهبی اهل تشیع در افغانستان وقتی که می‌بینند شیعیان مراسم عزاداری محرم را به اصطلاح خیلی «باشکوه» برگزار می‌کنند، خوش‌حال می‌شوند. اما واقعیت آن است که از این تجلیل‌های باشکوه تا شعله‌ور شدن نزاع‌های خونین فرقه‌ای، فاصله‌ی کوتاهی مانده است. اگر این رهبران واقعا «خردمند» اند، حالا زمان آن است که دست به‌کار شوند و تا فاجعه بی‌برگشت نشده، در میان مردم بروند و سعی کنند از جنبه‌های بیگانه‌ساز مراسم عزاداری بکاهند. آخر، عزاداری عزاداری است و نه جشنِ مردم‌آزاری.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

برای متعلمین و محصلین		برای ادارات دولتی و شرکتها		Subscribe to Daily Etilaat Roz	
سه ماهه	۷۵۰ افغانی	شش ماهه	۲۵۰۰ افغانی	6 Months	100$ USD
شش ماهه	۱۳۰۰ افغانی				
یک ساله	۲۵۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	Annual	180$ USD

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.

زنانی که در جنایات هیتلر سهیم‌شدند

حبیب حسینی فرد، کارشناس مسایل بین‌الملل

کتاب «زنانی که هیتلر را یاری کردند»، به نقش زنان در جنایاتی که در جنگ جهانی دوم صورت گرفت می‌پردازد. نویسنده‌ی با استناد به مدارک و اسنادی نویافته، تصویر کاملا مردانه‌ی رایج از جنگ را زیر سوال می‌برد و در پی این سوال است که انگیزه‌های زنان در جنایات چه بود و چرا بعد از جنگ جهانی دوم کمتر محاکمه شدند.

جنایات جنگ جهانی دوم در تاریخ و روایت‌ها و رمان‌ها عمدتا مردانه تصویر شده‌اند. در دادگاه نورنبرگ یک زن هم در سکوی اتهام ننشست. از ۲۰ زنی که در کار سرپرستی و مراقبت، و در واقع آزار بعضا غیرقابل تصور اسرای زن در اردوگاه‌های کار هیتلری بودند و پس از جنگ حکم مرگ گریبان‌شان را گرفت نیز، کمتر نام و نشانی باقی مانده است.

در میان این ۲۰ نفر برای مثال ایرما گرزه را می‌توان سراغ گرفت که در اردوگاه آشویتس سگش را به جان اسرای زن می‌انداخت یا پای زنان حامله‌ی یهودی را می‌بست تا جلو تولد بچه‌ی آن‌ها را بگیرد.

اما تنها این ۲۰ نفر زن در رکاب هیتلر نبودند، بلکه در تهاجم ارتش آلمان نازی به اروپا، آن را ده‌ها هزار زن داوطلبانه یا به‌صورت فراخوانده شده در هیئت پرستار و منشی و ماشین‌نویس، سربازان نوجوان، مربی پرورشی، «بازرس نژادی»، مددیار روانی برای آلمانی‌هایی که در مناطق اشغالی اسکان داده می‌شدند یا... همراهی می‌کردند.

بسیاری از این زنان در شراکت در جنگ شانس ارتقای اجتماعی خود را می‌دیدند. برای عده‌ای از آن‌ها هم، این شراکت مفری بود برای رهایی از محیط بسته‌ی خانه و تجربه‌ای از ماجراجویی.

کتاب «زنانی که هیتلر را یاری کردند» که اخیرا به آلمانی هم ترجمه شده، روایتی است از رفتار و سیر و سلوک این زنان. این کتاب ابتدا با نام «الهگان انتقام هیتلر»(Hitlers Furies) به انگلیسی منتشر شد.

اسناد تازه‌یافته

خانم وندی لاور (Wendy Lower)، تاریخ‌دان امریکایی زمانی به نوشتن این کتاب ترغیب می‌شود که پس از فروپاشی شوروی به اسناد دست‌نخورده‌ای در جبهه‌هایی سربسته در ۱۲۰ کیلومتری کیف، پایتخت اوکراین برمی‌خورد. این جبهه‌ها مربوط به آرشیف اسناد ارتش هیتلری در منطقه‌ی شیتومیر بوده‌اند، منطقه‌ای در اوکراین که مرکز فرماندهی و ستادی ارتش نازی بود.

در فاصله‌ی میان ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۴، وقتی که ارتش آلمان در برابر حملات ارتش سرخ شوروی مجبور به عقب‌نشینی از شیتومیر بوده، کمتر فرصت و امکان پیدا می‌کند که آرشیف یادشده را از بین ببرد. سربازان شوروی هم اسناد این آرشیف را بدون بررسی و طبقه‌بندی در جعبه کرده و در جایی انبار می‌کنند.

خانم لاور اولین کسی بود که بعد از فروپاشی شوروی به سراغ این اسناد رفت و در آن‌ها به مجموعه‌ی بزرگی از اسامی، گزارش، پروتوکول بازجویی، عکس و فیلم و نیز فهرستی از نام زنان دست‌اندرکار جنایات ارتش برخورد. این اسناد انگیزه‌ای شدند که لاور به آرشیف‌های اتریش و آلمان و شوروی سابق هم سر بزند و در آن‌ها به جست‌وجوی نام سایر زنانی برود که ارتش هیتلری را در جنایاتش یاری دادند یا خود عامل آن شدند.

لاور در کتاب خود که یک–سوم آن را فهرست منابع و مأخذ تشکیل می‌دهد، می‌کوشد نقبی به انگیزه‌ها و دلایل حضور ۵۰۰ هزار زن آلمانی بیندازد که در سال‌های جنگ جهانی دوم داوطلبانه یا در چارچوب «انجام وظیفه‌ی ملی» همراه با ارتش نازی به شرق اروپا رفتند و شاهد و ناظر جنایات‌های این ارتش و نهادهای امنیتی آلمان نازی شدند یا خود عامل این جنایات.

گفتنی است که به‌خاطر حضور بیش‌تر مردان در جبهه‌ها، زنان در مراکز امنیتی و انتظامی خود آلمان، مانند گشتاپو نیز تا ۴۰ درصد مشاغل مدیریتی را در اختیار داشتند.

واکنش سه‌گانه‌ی زنان به جنایات جنگ

لاور در باره‌ی زنانی که به جبهه رفتند، می‌نویسد: «آن‌ها به‌زودی دریافتند که جنگ مورد نظر هیتلر، جنگی برای نابودی و نسل‌کشی است. درک این واقعیت برای بسیاری از این زنان شوک‌آور بود؛ زیرا در دوره‌های تحصیل و آموزش خود خشونت‌ورزی و واکنش نسبت به خشونت را یاد نگرفته بودند». لاور سپس به واکنش زنان به واقعیت جنگ می‌پردازد و آن‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند: «بخشی تنها در مقام ناظر و شاهد ایستادند، بخشی هم‌دست شدند و بخشی هم خود آمر و عامل جنایت».

او به هرکدام از این دسته یک فصل کتاب را اختصاص داده است. در بخش مربوط به هم‌دستان با آوردن نمونه‌ای از قول یکی از دستیاران زن در بخش اداری مربوط به نابودسازی شماری از اسرا، برای خواننده روشن‌تر می‌شود که نقش این گروه در جنایات چه ابعادی داشته: «در اتاق جنبی ما برای مثال صد پرونده انبار شده بود که از آن میان، ۵۰ نفر باید به کام مرگ فرستاده می‌شدند. این‌که این قرعه به‌نام چه کسی بیافتد، عمدتا به ما مربوط می‌شد که کدام پرونده را برداریم و چگونه روی آن کار کنیم».

کتاب برای نمونه به زندگی‌نامه و کارنامه‌ی ۱۳ زنی که خود عملا درگیر جنایات جنگ شدند، پرداخته و با زدن نقب به زندگی آن‌ها، کوشیده است هم انگیزه‌های این زنان را دریابد و هم به این سوال پاسخ دهد که چرا بعد از جنگ آن‌ها به ندرت محاکمه و مجازات شدند.

به نوشته‌ی لاور، هولوکاست یک پدیده‌ی دو بعدی بود: قتل عام یهودیان و در عین حال، آلمانیزه کردن محل سکونت آن‌ها. تنها در اردوگاه‌های مرگ نبود که این روند جاری شد، بلکه در هر شهر و ده و خیابانی می‌شد اثری از هردو جنبه‌ی هولوکاست یافت و زنان در موارد زیادی از این جنایات یا شاهد و ناظرند، یا دست‌اندرکار.

لیزولت مایر، یکی از ۱۳ زنی است که کتاب به کارنامه‌ی او در جنگ می‌پردازد. او که دوره‌ی کارآموزی فروشندگی را پشت سر دارد، در ۱۹ سالگی داوطلبانه به جبهه می‌رود و در بلاروس عاشق کمیسر آلمانی آن منطقه می‌شود. خود او بعداً در طراحی قتل‌های دسته‌جمعی و حتا در اجرای آن‌ها نقشی محوری پیدا می‌کند.

یوهانا آلت‌فاتر هم یک منشی است که در ۲۲ سالگی به جبهه در منطقه‌ای در مرز اوکراین و لهستان می‌رود؛ به شهر ولود میر، شهری با امکانات صنعتی و مخابراتی و از این‌رو مهم برای ارتش نازی. بسیاری از یهودیان کار اجباری در این شهر را مفری برای رهایی از اتاق‌های گاز می‌دانستند. اما سال ۱۹۴۲ کمیسر این شهر نیز حکم گرفت که یهودیان اسیر را از بین ببرد. کتاب با استناد به اسناد شرح می‌دهد که چگونه آلت‌فاتر به گونه‌ی خون‌سردانه در کار کشتن بچه‌های یهودی اسیر بوده: با شیرینی بچه‌ها را به‌سوی خود می‌کشید و بعد جلو والدین آن‌ها، تیری در سرشان خالی می‌کرد.

ارنا پری، همسر یکی از افسران نازی که خود نیز صاحب فرزند بوده، شخصا ۶ کودک یهودی را با شلیک تیر به گونه‌ی آن‌ها کشته است. او قبل از جنایت به قربانیان غذا می‌داده است! شوهرش نیز در جنایات بیش‌تری شریک بوده است.

«اجباری در کار نبود»

لاور سرنوشت ۱۳ زن را بعد از جنگ نیز دنبال کرده و به این نتیجه رسیده که اکثر آن‌ها از تعقیب قضایی مصئون مانده‌اند. به نوشته‌ی وی، کارنامه‌ی زنان حاضر در جبهه بیش‌تر در متن و بطن خبرهای پرسر و صدای راست و دروغ پیرامون تجاوزاتی که نیروهای متفقین به هنگام عقب نشاندن ارتش هیتلری علیه زنان آلمانی انجام دادند، گم شد.

تنها در مورد زن منشی، یوهانا آلت‌فاتر دادگاهی برگزار می‌شود؛ اما برایش حکم تبرئه صادر می‌کنند؛ چون شواهد «ناکافی» بوده است. در اتریش هم کسی دنبال محاکمه‌ی زنان یاد شده را نمی‌گیرد. ارنا پری که بعد از جنگ مقیم آلمان شرقی می‌شود، سال ۱۹۶۱ همراه با شوهرش کشف هویت و کارنامه می‌شود. برای شوهر اعدام می‌برند و برای ارنا حکم ابد صادر می‌شود. ارنا در دفاع از خود در دادگاه گفته است که نمی‌خواستم چیزی از مردان کم داشته باشم.

بعد از فروریختن دیوار برلین نیز حکم ارنا پری دوباره تأیید می‌شود؛ اما سه سال بعد به گونه‌ای غیرمترقبه آزادش می‌کنند. او تا سال ۲۰۰۰ که فوت کرد، تحت حمایت یک سازمان راست‌گرای افراطی و کمک‌های مالی دختر هاینریش هیملر، مقام ارشد رژیم هیتلری قرار داشت.

لاور در جایی از کتاب تأکید می‌کند: «زنان حاضر در مناطق اشغالی الزامی به کشتن نداشتند و امتناع آن‌ها مجازاتی در پی نداشت. تنها کمک احتمالی آن‌ها به قربانیان بود که جرم به حساب می‌آمد. با این همه، زنانی که در این کتاب به واکاوی پرونده‌های آن‌ها پرداخته‌ام، داوطلبانه و بعضا با شور و شوق به کار کشتن مشغول شده‌اند».

در فصل آخر کتاب، نویسنده به‌دنبال پاسخ این پرسش است که چرا زنان که معمولا حضورشان تلطیف‌کننده‌ی فضاهای خشونت‌زده و جان گرفتن احساس‌های معطوف به رحم و شفقت است، در جنگ جهانی دوم تا این حد به جنایت آلوده می‌شوند. گرچه زنانی که در این جنایات شریک بودند، کمتر خود در این باره صحبت کرده‌اند؛ اما همان حرف‌های مختصری که زده شده، نشان‌دهنده‌ی عمق تأثیرگذاری تبلیغات فاشیستی، حتا بر ذهن و روحیات و احساسات زنان است. تزریق ایدیولوژی نازی بسیاری از این زنان را نسبت به سرنوشت قربانیان بی‌تفاوت کرده و بسیاری از هنجارهای اخلاقی و انسانی را در ذهن آن‌ها شکسته بود.

این زنان صرفا به طبقه یا گروه اجتماعی خاصی هم تعلق ندارند، هم برخاستگان از طبقه‌ی کارگر و اقشار فرودست را در میان آن‌ها می‌توان دید و هم وابستگان به قشر مرفه و بسیار مرفه جامعه، هم کم‌سواد و هم تحصیل‌کرده و دانشگاه رفته. به لحاظ سنی همه‌ی آن‌ها البته ۱۸ تا سی سال سن دارند و ماجراجویی و خشونت‌ورزی در محیطی آلوده به تبلیغات فاشیستی و نژادپرستانه و مملو از خون و خشونت، برای‌شان عادی می‌شود.

هنوز هم شاید در باره‌ی انگیزه‌های زنان کتاب لاور در جنایاتی که مرتکب شدند، جای تحقیق و بحث بسیاری باقی باشد؛ اما کتاب در ارائه‌ی تصویری دقیق از نقش زنان در جنگی که تا کنون کاملا مردانه به شمار می‌آمد و تأثیری که ایدیولوژی معطوف به تفکیک انسان‌ها به برتر و پست‌تر بر ذهن و رفتار «برترها» ار هر جنسیتی می‌گذارد، تا حدود زیادی موفق است.

کتاب لاور تصویر ما را از هولوکاست و سایر جنایات هولناک جنگ جهانی دوم را بیش از پیش تکمیل می‌کند و شاید توضیح اولیه‌ای باشد برای این واقعیت که چرا زنان و دخترانی از گروه‌های مختلف اجتماعی در غرب و شرق به‌رغم جنایات گروه‌هایی مانند داعش، ابایی از پیوستن به آن‌ها ندارند.

facebook بگو مگو از facebook

Abdullah Watandar

هدف مهم‌تر: انتقال فاجعه به افغانستان

– در شهری در سوریه، تعمیر بزرگی ویران شده است. از زیر آوار، دود و خاک و غبار برمی‌خیزد. مخالفان دولت، این ویرانه و اطراف آن را به تصرف‌شان درآورده‌اند. از گوشه‌ای، ناله‌ی ضعیفی را می‌شنوند. می‌بینند از تمام بدن یک مرد، فقط بخش کوچکی از صورتش بیرون مانده است و بقیه‌ی بدنش در زیر سنگ و خاک و کانکرت دفن شده است. او را با زحمت از زیر آوار بیرون می‌کشند. پس از بستن زخم‌ها و سر و صورت مرد اسیر، هویتش را می‌پرسند. او «سید احمد حسینی» است و اهل افغانستان.

– در قریه‌ی دوردستی در گوشه‌ای از افغانستان، چهار مرد با صورت‌های بسته به‌تازگی پس از آموزش نظامی، از ایران برگشته‌اند و به‌زودی به سوریه خواهند رفت تا در مقابل «آن‌هایی که امریکا کمک‌شان می‌کند»، بجنگند. آن‌ها به زبان پشتو توضیح می‌دهند که پس از اختلاف درونی طالبان، آن‌ها تصمیم گرفته‌اند که در بدل پول ایران و فیض جهاد در مقابل امریکا، به سوریه بروند. آن‌ها اشاره‌ی مهم دیگری هم می‌کنند. می‌گویند، اگر کسانی را در سوریه یافتند که هم‌فکرشان بود، با آن‌ها یک‌جا خواهند شد.

– مردی که سر و صورتش زخمی است و یکی از چشم‌هایش به‌شدت آسیب دیده است، به سوال‌هایی که از او با فارسی بسیار بد پرسیده می‌شود، جواب می‌دهد. در حالی که وحشت از وجودش می‌بارد، تصویر گنگی از چگونگی رفتنش به سوریه به‌دست می‌دهد. می‌گوید، در ایران به جرم قاچاق مواد مخدر در زندان بوده است. در آن‌جا، ایرانی‌ها برایش پیش‌نهادی داده‌اند. دو میلیون تومان در ماه، بخشش و آزادی از زندان. به این ترتیب، بعد از چند هفته او را به سوریه آورده‌اند. کاروان او در مسیر یک پیاده‌روی چندین کیلومتری با کمین برخورد می‌کند. اکثر همراهانش کشته می‌شوند؛ اما او به اسارت درمی‌آید.

سه مورد بالا را در دو ویدیو می‌توان دید. لینک ویدیوها را در بخش کامنت‌ها می‌گذارم.

سربازگیری جمهوری اسلامی ایران از میان افغانی‌ها و فرستادن‌شان به سوریه، تنها برای جنگ سوریه نیست. این سربازگیری، اهداف مهم افغانی هم دارد. برای مردم و دولت افغانستان، اهداف افغانی این سربازگیری می‌تواند بسیار خطرناک و ویرانگر باشد. مثلا، آشنا کردن اعضای طالبان با گفتمان جنگ سوریه که به‌شدت فرقه‌ای است، می‌تواند در درازمدت برای افغانی‌ها، فاجعه‌بار باشد، مخصوصا وقتی این‌ها در سوریه ببینند که تعدادی از هم‌وطنان دیگرشان که پیرو فرقه‌ی مذهبی متفاوتی هستند هم در دفاع از دولت بشار اسد مشغول جنگ هستند. جمهوری اسلامی ایران، با کشاندن پای افغانی‌ها به جنگ سوریه، می‌خواهد نفرت فرقه‌ای این جنگ را به افغانستان انتقال بدهد. تغییر رویکرد و نگاه طالبان به مسایل فرقه‌ای، شاید یکی از اهداف مهم این سربازگیری باشد. جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند به همین سادگی بپذیرد که افغانستان روابط نزدیک با کشورهای غربی داشته باشد و آرام آرام به‌سوی آرامش، ثبات و آینده حرکت کند، مخصوصا با دورنمای داشتن یک نظام مردمی و دموکراتیک.

Waheed Omer

آزادی‌های اندکی که امروز داریم، با حوصله و گام‌های آهسته و پیوسته به‌دست آمده‌اند. برای حفظ و تقویه‌ی این آزادی‌ها باید گام‌های ما متین و شمرده باشند. هر اقدام و موضع‌گیری غیرضروری، غیرمسئولانه و عاقبت‌نیاندیشانه می‌تواند به این آزادی‌ها آسیب برساند. دولت‌مردان، سیاسیون و وابستگان‌شان باید مراقب کنش و گفتار خود باشند. حتا در مواردی که نیاز ندارند، اظهار نظر هم نکنند!

سعادت غزنوی

عزاداران عاشورایی:

علی‌رغم قمه‌زدن‌های تعدادی بی‌منطق وغیرمتشرع– چه زیبا است که به‌نام خدا و یاد امام حسین (ع) به‌سوی بانک خون امام حسین بشتابید و قطرات خون‌تان را در راه آن شهید جاوید نثار نمایید، تا نیازمندترین انسان‌های مریض از آن بهره‌مند شوند.

امام حسین (ع) با تقدیم خونش حیات جامعه‌ی مرده و بی‌جان را تأمین کرد. تو با تقدیم خونت، حیات انسان منتظر و چشم‌براه خودت را تضمین کن.

پیام آن قیام خونین، احیای هویت و کرامت انسانی بود. به انسان‌های دربند و اسیر استبداد حیات مجدد داد. تو نیز چون حسین (ع) با خونت حیات سبز یک انسان نیازمند را آب‌یاری کن. این درخت آسیب‌دیده و تشنه‌کام بخشکد. خداوند ازت قبول فرماید. مردان و زنان خیّر و فداکار، دنیا در گذر است و به کس نمی‌ماند.

Sayed Hussain Eshraq

بنیادگرایی نگاهِ حدِ اکثری معطوف به احیا و انکشافِ هویتِ غیریت‌ساز و بی‌مداراست که جنبه‌های مهمِ آن را گذشته‌گرایی و نوستالژی رسیدن به قدرتِ مطلق تشکیل می‌دهد.

وقتی گفتمانی به‌صورت متن درآید و هویت‌های مغایر را با چالش روبه‌رو کند، علاوه بر واکنش‌های مثبت و منفی، احتمالِ مواجهه از نوعِ شورشِ حاشیه بر متنِ تا سرحدِ بنیادگرایی را نیز به‌وجود می‌آورد.

ویژگی عمده‌ی بنیادگرایی، جزم‌اندیشی و امتناع از گفت‌وگو است، امتناعی که دگرناپذیری و خشونت‌گرایی را ترویج می‌کند و غلبه‌ی قرائتِ خودی به عنوانِ دالِ نهایی را در اولویتِ خود قرار می‌دهد.

مشکلِ بنیادگرایی وقتی آغاز می‌شود که روایت کننده‌ی آن ذهن و جان خویش را در برابرِ سایرِ دلالت‌ها، مانندِ دلالتِ عقلی و استدلالی ببندد و دلالتِ موردِ نظرِ خودش را نیز به سطح دلالتِ ظاهری، نقدناپذیر و غیرقابلِ تفسیر فروبکاهد.

Spiritgod Qoqnous

ایدیولوژی و کارناوال ویرانی

تاریخ پر است از کارناوال‌های تباهی و ویرانی، و همین سیر تاریخی و قدرت‌مند ویرانی و حماقت است که هر حقیقتی را به امر کاملا مبتذل بدل می‌کند. آیا چنین است که هر حقیقتی به محض این‌که همگانی شد، جوهر و معنایش را از دست می‌دهد؟ به‌راحتی نمی‌توان پاسخ گفت؛ اما حقیقتی که همگانی می‌شود، در معرض شدید تبدیل شدن به ایدیولوژی است. و هر ابتذال و حماقتی از بطن ایدیولوژی برمی‌خیزد.

روزنامه اطلاعات روز

رومینیگه: بایرن مدیون فان‌خال است

کارل‌هاینز رومینیگه، نایب رییس بایرن مونیخ معتقد است که بایرن، بخش اعظمی از موفقیت چند سال اخیر خود را مدیون فان‌خال است. سرمربی فعلی یونایتد سال ۲۰۰۹ به مدت ۲ سال سرمربی بایرن بود که موفق شد به فینال لیگ قهرمانان صعود کند و پس از دوران او، بایرن موفق شد ۳ گانه کسب کند.

سال ۲۰۱۱ پس از کسب رتبه‌ی سوم در بوندس لیگا، فان‌خال اخراج شد؛ ولی رومینیگه معتقد است که او تأثیر زیادی در موفقیت‌های فعلی آلیانز آرنا داشته است. او گفت: «اگر مالکیت توپ امروز را در تیم می‌بینید، باید گفت که اولین قدم این راه توسط فان‌خال برداشته شد. او را استخدام کردیم که یک فلسفه‌ی جدید و یک باور جدید در تیم جا بیندازد. از لحاظ تاکتیکی، او مربی بسیار خوبی است. سیستم تیم ما را عوض کرد و من مطمئنم که در منچستریونایتد هم موفق خواهد بود».

رومینیگه سپس در باره‌ی گواردیولا گفت: «حتا حالا هم وقتی به طرز نگاه او به فوتبال نگاه می‌کنم، چیزهای زیادی یاد می‌گیرم. او فلسفه‌ی فوق‌العاده‌ای دارد. پایه‌ی تیم خط میانی، حفظ و کنترول توپ در خط هافبک است. او این کار را با سبکی متفاوت نسبت به بارسلونا انجام می‌دهد».

فان‌خال: به ترکیب سیتی حسادت نمی‌کنم

لوییس فان‌خال، سرمربی منچستریونایتد پیش از دیدار تیمش مقابل سیتی عنوان کرد که به ترکیب سیتی حسادت نمی‌کند. شاگردان مانویل پیگرینی، در ۳ سال اخیر دو بار قهرمان لیگ برتر شده‌اند و با حضور ستاره‌هایی مثل آگوئرو، یحیی توره، داوید سیلوا و ونسان کمپانی، ترکیب قدرت‌مندی دارند. سرمربی هالندی یک‌شنبه در استدیوم اتحاد مهمان سیتی است و عنوان کرد که به گرفتن سه امتیاز خوشبین است.

او گفت: «به ترکیب منچسترسیتی حسادت نمی‌کنم. من به بازیکنانم افتخار می‌کنم و این مهم‌ترین چیز است و وقتی مثل یک تیم بازی می‌کنیم، شانس بالایی برای پیروزی داریم».

فان‌خال ادامه داد: «مقابل وست بروم و چلسی خیلی خوب بازی کردیم. هیچ‌کس انتظار نداشت که بتوانیم مساوی بگیریم؛ ولی به نظر من، نتیجه‌ی مطلوب‌مان را نگرفتیم و شاید نتیجه‌ی مناسب مقابل سیتی، ما را به جلو حرکت بدهد. در حال حاضر، سیتی در بهترین روزهایش به‌سر نمی‌برد. چیزی که از سیتی در بازی‌های اخیر دیدیم».

آمار خیره‌کننده‌ی رونالدو در هفت‌صدمین بازی رسمی

دیشب رونالدو در دیدار مقابل گراناداً، برای هفت‌صدمین بار، حضور در یک بازی حرفه‌ای را تجربه کرد. او که تا سال ۲۰۱۸ با ریال قرارداد دارد، اگر به همین روند ادامه دهد، می‌تواند در سن ۳۳ سالگی به آمار ۹۰۰ بازی برسد. رونالدو ۱۳ فصل است که در بالاترین سطح فوتبال دنیا حضور دارد و در ۶۹۹ بازی قبلی خود ۴۴۷ گول به ثمر رسانده است، متوسط ۰،۶۳ گول در هر بازی. آماری که از زمان حضور او در ریال مادرید رشد چشم‌گیری داشته است.

او در اسپورتینگ لیسبون به‌طور متوسط ۰،۱۶ گول در هر بازی می‌زد. این آمار در منچستریونایتد به ۰،۴۰ گول در هر بازی رسید و او حالا در ریال مادرید به یک ماشین گول‌زنی تبدیل شده و آمار استثنایی ۱،۰۵ گول در هر بازی را به ثبت رسانده است. رونالدو در فصل جاری لالیگا، ۱۶ گول و در مجموع و ۲۱ گول در همه‌ی رقابت‌ها به ثمر رسانده است. اگر او به همین به روند گول‌زنی ادامه دهد، می‌تواند رکورد گول‌زنی در یک فصل لالیگا را که متعلق به مسی است، از آن خود کند و شانس اول تصاحب توپ طلا را داشته باشد.

ونگر: سانچز، سوارز آرسنال است

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال به تمجید از الکسیس سانچز پرداخت و او را «سوارز آرسنال» خواند. هافبک چیلیایی پس از انتقال از بارسلونا به آرسنال، عملکرد خوبی در خط حمله‌ی این تیم داشته و ۸ بار برای تیمش گول‌زنی کرده است. ونگر او را با سوارز که فصل گذشته برای خریدش تلاش زیادی کرده بود، مقایسه کرد و به تمجید از او پرداخت.

او گفت: «این عملکرد برای الکسیس طبیعی است. در هر بازی دوست دارد که بازی کند و توپ را در اختیار بگیرد. او راه نمی‌رود، بلکه می‌دود. او یک سطح انرژی باورنکردنی دارد. دوست دارم تمام بازیکنان این‌گونه باشند؛ ولی این‌طور نیست. بارها گفته‌ام: وقتی می‌بینید که از کجا آمده، کجا بزرگ شده و حالا در بارسلونا و آرسنال بازی می‌کند، متوجه می‌شوید که یک‌چیز ویژه‌ای دارد. شباهت‌هایی بین او و سوارز وجود دارند. لوییس بعضی اوقات توپ را به حریف می‌داد؛ ولی سریعا آن را پس می‌گرفت، درست مثل سانچز. زمانی بین دفاع و حمله برایش تعریف نشده و او بسیار سریع است».

مورینیو: می‌خواهم تا ۷۰ سالگی مربی‌گری کنم

ژوزه مورینیو برای تمام هم‌تایان و رقبایش یک خبر بد داشت. این‌که آن‌ها به این زودی از شر او خلاص نمی‌شوند؛ چرا که آقای خاص می‌خواهد تا دو دهه‌ی دیگر به فعالیتش به عنوان یک مربی ادامه دهد. مورینیوی ۵۰ ساله که تیمش امسال شروع فوق‌العاده‌ای داشته، در ۱۴ بازی خود در تمام رقابت‌ها بدون شکست بوده و پیش‌تاز جدول رده‌بندی لیگ برتر انگلیس است، در کنفرانس خبری پیش از مصاف شاگردانش با کوییز پارک رنجرز در هفته‌ی دهم رقابت‌ها اظهار داشت: به نظر خودم، شرایط واضح است. من می‌خواهم تا ۱۵ یا ۲۰ سال دیگر به مربی‌گری در سطح اول فوتبال دنیا ادامه دهم. زمانی که شما به اوج می‌رسید، می‌خواهید در اوج بمانید و این یک میل طبیعی است. مورینیو افزود: اگر در این مدت من به اندازه‌ی کافی برای باقی ماندن در سطح اول فوتبال باشگاهی دنیا خوب کار کنم، به مربی‌گری‌ام ادامه می‌دهم. اگر هم خوب نتیجه نگیرم و بازارم تغییر کند، فقط باید منتظر تیم‌های کوچک‌تر باشم تا با من تماس بگیرند. آقای خاص تصریح کرد: من فکر نمی‌کنم که کسی دوست داشته باشد از مربی‌گری در تیم‌های بزرگ به مربی‌گری در تیم‌های کوچک تنزل درجه بدهد؛ اما باز هم تکرار می‌کنم که تا زمانی که از نظر فیزیکی و روانی آماده باشم، به مربی‌گری ادامه می‌دهم و فکر می‌کنم ۱۵ تا ۲۰ سال دیگر این روند ادامه داشته باشد. تمام تیم‌هایی که در آن‌ها مربی‌گری کرده‌ام، تیم‌های بزرگی بوده‌اند؛ اما برای کسب قهرمانی، همه‌ی آن‌ها در بهترین شرایط ممکن قرار نداشته‌اند.

ورزش

بارسا در صدر باشگاه‌های بازیکن‌سازاروپا

باشگاه بارسلونا، در صدر باشگاه‌هایی است که بیش‌ترین بازیکن را برای ۵ لیگ معتبر اروپایی پرورش داده است. در واقع بارسا بازیکن‌سازترین باشگاه اروپا محسوب می‌شود. بارسلونا با پرورش دادن ۴۳ بازیکن، بالاتر از باشگاه‌هایی نظیر منچستر یونایتد با ۳۶ بازیکن و ریال مادرید با ۳۴ بازیکن قرار دارد. از این تعداد، ۱۳ بازیکن در خود بارسلونا بازی می‌کنند که البته از این حیث، پایین‌تر از لیون، بیلبائو و سوسیه داد قرار دارد. مونیر الحدادی و ساندرو، جدیدترین استعدادهای نوظهور باشگاه کاتالانی هستند.

این باشگاه هم‌چنین با داشتن ۳۰ بازیکن پرورش یافته در لاماسیا در تیم‌های دیگر ۵ لیگ معتبر جهانی، بالاتر از تمام تیم‌های اروپایی قرار دارد. پس از بارسا، ریال مادرید با ۲۶ و یونایتد با ۲۴ بازیکن در رده‌های بعدی قرار دارند. البته این مسئله خیلی نمی‌تواند نشانه‌ی اقتدار یک باشگاه باشد و می‌تواند نشانه‌ای به سخت بودن ورود به تیم اول باشگاه از تیم‌های پایه‌ای نیز باشد.

خارج از این ۵ لیگ معتبر، باشگاه ریورپلیت آرجانتین با پرورش دادن ۱۷ بازیکن که هم اکنون در باشگاه‌های مختلف ۵ لیگ معتبر اروپایی حضور دارند، صدرنشین است. پس از ریورپلیت، لوهاور، آژاکس و مونیخ ۱۸۶۰ قرار دارند.

کاوانی: زلاتان شایسته‌ی کسب توپ طلاست

ادینسون کاوانی، مهاجم پاریس سنت جرمن، با رد شایعه‌ی اختلافش با زلاتان ابراهیموویچ، ستاره‌ی سویدنی را شایسته‌ی کسب توپ طلای ۲۰۱۴ دانست. گفته می‌شد کاوانی به دلیل این‌که نمی‌تواند در حضور زلاتان، در پست مورد علاقه‌اش، یعنی نوک حمله بازی کند، ناراضی است و به همین دلیل، با هم‌تیمی‌اش مشکل پیدا کرده است؛ اما این ستاره‌ی اروگوئه‌ای تأکید کرد که رابطه‌ی خوبی با ایبرا دارد و شایعات اخیر را رد کرد.

او به لو پاریزین گفت: «ما با هم هماهنگ هستیم. او می‌تواند مدافعان حریف را سرگرم کند و فضاسازی کند. او باعث می‌شود هم‌تیمی‌هایش بهتر کار کنند. این همان کاری است که لوییس سوارز در تیم ملی انجام می‌دهد. اما تاکتیک‌ها متفاوت اند. من و زلاتان رابطه‌ی متعارف بین دو هم‌تیمی را داریم. ما در یک تیم بازی می‌کنیم و به‌خوبی در کنار هم جا افتاده‌ایم. نمی‌دانم چرا این همه سوال در مورد رابطه‌ی من و زلاتان وجود دارد. من با همه‌ی هم‌تیمی‌هایم روابط مشابهی دارم. ما تمام تلاش‌مان را برای تیم انجام می‌دهیم. بار دیگر می‌گویم که دلیل این سوال‌ها را نمی‌فهمم. هیچ مشکلی بین ما وجود ندارد».

توپ طلا؟ او رقبای جدی‌ای دارد؛ اما او شایسته‌ی دریافت این جایزه است. او ثابت کرده که بازیکن فوق‌العاده است و در سال‌های اخیر، دست‌آوردهای خیره کننده‌ای داشته است».

داوید آلابا، ورزشکار سال اتریش

داوید آلابا، مدافع ۲۲ ساله‌ی بایرن مونیخ، به عنوان ورزشکار سال اتریش برگزیده شد. در این انتخابات که جمعه‌شب از سوی اعضای اتحادیه‌ی روزنامه‌نگاران ورزشی کشور اتریش صورت گرفت، داوید آلابا با یک امتیاز بیش‌تر نسبت به مارسل هیرشر، دارنده‌ی مدال نقره‌ی المپیک، حایز کسب این عنوان شد.

آلابا که در وین متولد شده، امسال موفق شد با بایرن قهرمانی بوندسلیگا و جام حذفی را توأمان از آن خود کند. البته خود او که در مونیخ حضور داشت، از طریق ویدیو کنفرانس در این مراسم شرکت کرد. آلابا پس از هرمان مایر نخستین ورزشکاری است که این افتخار دو سال پیاپی برایش تکرار می‌شود.

او تابه‌حال ۳۵ بازی برای تیم ملی اتریش انجام داده و هشت گول هم به ثمر رسانده است. این تیم در رده‌ی ۲۹ رده‌بندی جهانی فیفا قرار دارد.

رویس: دیگران بیش‌تر به فکر آینده‌ی من هستند

حرف و حدیث‌ها در مورد آینده‌ی مارکو رویس تمامی ندارند. نام این جوان ملی‌پوش دورتموندی در لیست خرید بایرن مونیخ به چشم می‌خورد و این مسئله باعث ایجاد کینه و کدورت بین سران دو باشگاه شده است. نخستین بار در ماه آگست شایعاتی مبنی بر علاقه‌ی بایرن به رویس به گوش رسید. با صحبت‌های کارل هاینس رومینیگه در مورد مفاد قرارداد این بازیکن و شرایط جدایی‌اش از دورتموند در رسانه‌ها، این شایعات تقویت شد. دیروز بالاخره خود این بازیکن درمورد آینده‌اش لب به سخن گشود. رویس در صفحه‌ی اجتماعی‌اش نوشت: «این روزها در مورد من و آینده‌ام زیاد صحبت می‌شود. گمانه‌زنی‌ها بسیار اند. به همین مناسبت، مایلم اعلام کنم که ظاهرا مثل این‌که دیگران بیش‌تر از خودم به فکر آینده‌ی من هستند. فعلا تنها چیزی که کاملا از آن مطمئنم، این است که ما امروز (دیروز) به سمت مونیخ راه می‌افتیم تا برای دورتموند امتیاز کسب کنیم. امیدوارم که با دست پر برگردیم».

ونگر: چلسی فعلی، آرسنال سال ۲۰۰۳ نیست

آرسن ونگر، سرمربی آرسنال، معتقد است که هنوز خیلی زود است که تیم این فصل چلسی را با آرسنال شکست‌ناپذیر فصل ۰۴-۲۰۰۳ مقایسه کرد. چلسی در حالی بدون شکست در صدر جدول لیگ برتر قرار دارد که توپچی‌ها با ۹ امتیاز اختلاف، در رتبه‌ی پنجم قرار دارند. شکست‌ناپذیری آبی‌ها تا این‌جای فصل، بسیاری را به‌یاد آرسنال فصل ۰۴-۲۰۰۳ انداخته است؛ اما ونگر معتقد است که برای چنین مقایسه‌هایی خیلی زود است.

او به خبرنگاران گفت: «هنوز خیلی زود است که بگوییم چلسی می‌تواند دست‌آورد تیم شکست‌ناپذیر آرسنال را تکرار کند». ونگر هم‌چنین در مورد شانس قهرمانی تیمش گفت: «وقتی از شانس قهرمانی ما صحبت می‌شود، تیم‌هایی که مقابل‌شان بازی کردیم را در نظر نمی‌گیرند. من به‌شدت معتقدم که ما باز خواهیم گشت. ما می‌خواهیم به اندازه‌ای خوب باشیم که تیم‌هایی که می‌خواهند ما را متوقف کنند را کنار بزنیم. تعهد و فداکاری ما فوق‌العاده بوده است. اگر در خط حمله مؤثرتر باشیم، می‌توانیم بهتر نتیجه بگیریم».

لواندوفسکی: خیلی با رویس هماهنگ بودم

لواندوفسکی در آستانه‌ی رویارویی با تیم سابقش سعی کرد جو را به سمت صلح و سازش هدایت کند، به‌ویژه آن‌که این روزها بایرن مونیخ با ابراز علاقه برای به خدمت گرفتن دیگر مهاجم دورتموند، یعنی مارکو رویس فضا را ملتهب‌تر کرده است.

این بازیکن لهستانی به «بیلد اسپورت» گفت: «مارکو بازیکن فوق‌العاده‌ای است و من همیشه هماهنگی خوبی با او داشتم. بیش‌تر از این مایل نیستم در این باره چیزی بگویم؛ چرا که حرف و حدیث پیش می‌آید و هم‌بازی سابقم هم ممکن است از من دلخور شود».

لواندوفسکی از زمان حضورش در بایرن روزبه‌روز بهتر می‌شود و البته اگر رویس به این تیم بیاید، بازی این دو در کنار هم می‌تواند هر حریفی را دچار دردسر کند. بایرن نه تنها لواندوفسکی، بلکه ماریو گوتسه را هم از چنگ دورتموند درآورد. لواندوفسکی در این مورد گفت: «عاشق بازی کردن در کنار ماریو هستم. او توانایی‌های تکنیکی باورنکردنی‌ای دارد». اما اینک دورتموند از آن می‌ترسد که رویس را هم از دست بدهد.

یورگن کلوپ برای این‌که عواقب جدا شدن این بازیکنان امروز در سکوهای تماشاگران خودش را نشان ندهد، گفت: «می‌دانم که رابرت زیاد به ما گول نخواهد زد».

دل بوسکه به‌دنبال جاگزینی برای کاسیاس

ویسنته دل بوسکه، سرمربی تیم ملی اسپانیا عنوان کرد که تیمش باید یک جایگزین مناسب برای ایکر کاسیاس پیدا کند. گولر باتجربه‌ی ریال مادرید در دهه‌ی گذشته دروازه‌بان اول تیم ملی کشورش بود و موفق شد یورو ۲۰۰۸، جام جهانی ۲۰۱۰ و یورو ۲۰۱۲ را بالای سر ببرد. با این حال، عملکرد ضعیف کاسیاس در چند ماه اخیر باعث شده تا انتقادات از او بالا بگیرند و بسیاری دخهآ را آماده‌ی جاگزینی او بدانند. دل بوسکه عنوان کرد که قصد دارد برای بعد از کاسیاس برنامه‌ریزی کند.

او گفت: «سن کاسیاس بالا و بالاتر می‌رود و باید به این فکر باشیم که او روزی مصدوم شود یا دیگر برای باشگاهش بازی نکند. ما به گولری آماده نیاز داریم که جاگزینش شود. تمامی بازیکنان ما باید رهبری، نظم و کاریزما و شخصیت داشته باشند و در زمین این را ثابت کنند. رهبریت یک بازیکن از کیفیت نمایشش و هم‌چنین شخصیتش زاده می‌شود. جای شما در تیم ملی ممکن است هر لحظه از بین برود». دل بوسکه هم‌چنین در باره‌ی انتقادات از پیکه گفت: «یک جریان انتقادی علیه پیکه ایجاد شده و من فکر می‌کنم چیزی پشت این جریان وجود دارد. این موضوع تنها در باره‌ی وضعیت ورزشی پیکه نیست».

بنیتس: هیگواین باید از عصبانیتش بهتر استفاده کند

رافایل بنیتس، سرمربی ناپولی عنوان کرد که گونزالو ایگواین، مهاجم این تیم باید عصبانیتش را در راه درستی استفاده کند. هیگواین در جریان دیدار تیمش مقابل برگامو، یک پنالتی را از دست داد که باعث شد بازی با نتیجه‌ی تساوی به پایان برسد. بنیتس پس از بازی از هیگواین انتقاد کرد و گفت که باید از عصبانیتش به طرز درستی استفاده کند. او گفت: «هیگواین پس از از دست دادن پنالتی بسیار عصبانی بود؛ ولی حالا آرام است. بنابراین، هیچ نگرانی‌ای بابت آینده‌اش ندارم. عصبانیتش باید در راهی استفاده شود که بهتر بازی کند و بیش‌تر گول بزند. در باره‌ی این‌که پنالتی‌های بیش‌تری بزند، صحبت کردیم و اگر بخواهد، من مشکلی با این موضوع نخواهم داشت».

بنیتس در باره‌ی دیدار مقابل رم گفت: «هرتیمی ممکن است امتیاز از دست بدهد. بنابراین، باید تلاش کنیم فاصله‌ی‌مان با صدر جدول را کم کنیم. از لحاظ تاکتیکی، رم در ضدحملات قوی‌تر است... آن‌ها خط دفاع هجومی خوبی دارند که می‌تواند توپ را سریع برباید».

روزنامه اطلاعات روز

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
سردبیر: بشیر یاوری
دبیر خبر: نجیب الله نصیح
ویراستار: بسم الله محبت
صفحه آرا: هادی دریابی

توزیع: مؤسسه جلوه
ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
آدرس: کابل، کارته سه، کوچه حقوق بشر
قیمت: ۱۰ افغانی
شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

یک‌شنبه ◉ ۱۱ عقرب، ۱۳۹۳ ◉ سال سوم ◉ شماره ۶۹۹
Sunday ◉ 02 November ◉ Year 03 ◉ Vol 699

د لوی خدای (ج) په مرسته سوله د افغانستان راتلونکې جوړولای شي.
ګرانو هېوادوالو، سوله زمونږ د دین او کلتور برخه ده. د افغانستان د حافظانو د ټولنې غړی استاد قاري علی محمد وایي:"اسلام د سولې او ورورولۍ دین دی. په سوله کې خیر دی. د اسلام دین د هر ډول تاوتریخوالي خلاف دی. د سولې د ټینګښت لپاره کار کول زمونږ د ټولو دنده ده."
نیکمرغې له سولې رامنځته کیږي!

به خواست خداوند بزرگ (ج) صلح می تواند آینده افغانستان را بسازد.
هموطنان عزیز ، صلح جزء دین و فرهنگ ما است. قاری استاد علی محمد عضو انجمن حافظان افغانستان میگوید: " اسلام دین صلح و اخوت است. در صلح خیر است. دین اسلام مخالف هرگونه خشونت و تشدد است. کارکردن برای تحقق صلح وظیفهٔ همهٔ ما است."
خوشبختی از صلح به بار می آید!

۲۰ افغانی پرداخت کنید ۵ دقیقه تماس های بین المللی بدست آورید

فیس اشتراک	فایده ها	تجدید خود کار	مدت اعتبار	کود اشتراک	کود غیر فعال سازی	کود مشاهده بیلانس
۲۰ افغانی	۵ دقیقه (تماس های بین المللی)	بلی	۱ روز	*۸۸۸*۷*۱#	#*۸۸۸*۷*۲*	#*۸۸۸*۷*۴*

برای معلومات بیشتر به ۱۵۲ در تماس شوید یا پیام ارسال کنید و یا به ۰۷۰۰ ۸۳۰ ۸۳۰ تماس بگیرید.

www.afghan-wireless.com

مدت اعتبار الی ۳۱ دسمبر سال ۲۰۱۴ میباشد

آمریکا | کانادا | هندوستان | چین | مالیزیا